

The Lived Experiences of Female Senir High School Students Regarding the Challenge of Removing Hijab on the way to School (a phenomenological study)

Mohammad Hussein Bahrami¹

1. PhD of Curriculum Studies, Farhangian University, Mashhad, Iran. E-mail: mhb_bahrami@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research	Objective: The purpose of the current research was to evaluate the lived experiences of senior high school girls from the challenge of removing hijab on the way to school.
Pp. 51-80	Method: it was based on qualitative approach and descriptive phenomenological method. A semi-structured interview was used to collect the data and thematic analysis was used to analyze the research data.
Article History:	Findings: In this study, ten general themes were placed in three central dimensions, including the incorrect perception of the value of the hijab, resorting to the value of the hijab, and inducing the thinking that the hijab hinders freedom. Also, the dimensions of cultural, social and personal and family contexts based on the facilitation of the phenomenon of hijab and the dimensions of being understood instead of being rejected, the lack of explanation and the desired enlightenment as well as neglecting practical models and sloganizing based on the fact that the phenomenon of hijab is inhibiting were identified.
Received 26 May 2023	Conclusion: based on the findings of this research, it can be concluded that facing the challenge of removing hijab by students on the way to school requires a change in the view of executive bodies on hijab, and it is necessary to avoid taking superficial positions and hasty approaches. It must be replaced by explanation and enlightenment. There is also a need to create culture in the context of the real needs of students and the young generation by the general public and beneficiaries, and to use the potential of social, educational, media and even political institutions. If the existing procedure regarding the phenomenon of students' hijab and the young generation continues and the process of facing it is neglected, It will cause a deeper gap in the near future.
Revised 11 June 2023	
Accepted 01 August 2023	
Published 20 August 2023	

Keywords

Lived Experiences, Female Students, Removing Hijab, Phenomenological

Cite this article

Bahrami, M. H. (2023). The Lived Experiences of Female Senir High School Students Regarding the Challenge of Removing Hijab on the way to School (a phenomenological study). *Applied Issues in Islamic Education*, 8 (2), 51-80. <http://doi.org/10.61186/qaie.8.2.51>



© The Author(s). Publisher: Academy of Scientific Studies in Education.

DOI: <http://doi.org/10.61186/qaie.8.2.51>

تجارب زیسته دانشآموزان مقطع متوسطه دوم دختر از چالش کشف حجاب در مسیر مدرسه (یک مطالعه پدیدارشناسانه)

محمدحسین بهرامی^۱

۱. دکتری مطالعات برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان، مشهد، ایران. رایانامه: mhb_bahrami@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	هدف: هدف از اجرای پژوهش حاضر، احصاء تجارب زیسته دانشآموزان دختر مقطع متوسطه از چالش کشف حجاب در مسیر مدرسه است. برای گردآوری روش: روش پژوهش؛ مبتنی بر رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی از نوع توصیفی است. در این مطالعه، ده مضمون کلی در سه بُعد محوری شامل؛ برداشت ناصواب ارزش حجاب، دستاویز کردن ارزش حجاب و القاء تفکر حجاب مانع آزادی جای گرفتند. همچنین ابعاد زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و شخصی و خانوادگی مبتنی بر تسهیل پدیده حجاب و ابعاد درک شدن به جای طرد شدن، عدم تبیین و روشن‌نگری مطلوب و مغفول بودن الگوهای عملی و شعارزدگی مبتنی بر بازدارنده بودن پدیده حجاب شناسایی شد.
صفحه. ۸۰-۵۱	یافته‌ها: بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان استنتاج کرد که مواجهه با چالش کشف حجاب دانشآموزان در مسیر مدرسه مستلزم تغییر نگاه دستگاه‌های اجرایی به مقوله حجاب است و باید از مواضع برخوردهای سطحی و شتاب‌زده دوری کرده و مسیر تبیین و روشن‌نگری را جایگزین ساخت. همچنین نیاز است که در زمینه نیازهای واقعی دانشآموزان و نسل جوان، توسط جامع عمومی و ذی‌نفسان، فرهنگ‌سازی شده و از پتانسیل نهادهای اجتماعی، آموزشی و رسانه‌ای و حتی سیاسی بهره‌گیری شود.
تاریخچه مقاله	نتیجه‌گیری: از بررسی‌های به عمل آمده این نتیجه حاصل می‌شود که چنان‌چه رویه موجود در رابطه با پدیده حجاب دانشآموزان و نسل جوان تداوم یابد و به فرایند مواجهه آن کم‌توجهی شود؛ موجب شکاف عمیق‌تری در آینده نزدیک خواهد شد.
درباره ۱۴۰۲	تجارب زیسته، دانشآموزان دختر، کشف حجاب، پدیدارشناسی.
بازنگری ۱۴۰۲	
پذیرش ۱۴۰۲	
انتشار ۱۴۰۲	

کلید واژه‌ها

بهرامی، محمدحسین (۱۴۰۲). ۱. تجارب زیسته دانشآموزان مقطع متوسطه دوم دختر از چالش کشف حجاب در مسیر مدرسه (یک مطالعه پدیدارشناسانه)، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۸(۲)، ۸۰-۵۱.
<http://doi.org/10.61186/qaiie.8.2.51>

استناد

ناشر: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پژوهش.



© نویسنده‌گان.

مقدمه

پوشش همواره یکی از مسائل اساسی انسان است که برای زنان و مردان در سطح جامعه مطرح می‌شود (احمدپور، ۱۴۰۱: ۱۸۵). حضور اجتماعی افراد باعث می‌شود موضوع پوشش به صورت مسئله‌ای ویژه با وسعت و گستردگی خاص مطرح شود؛ چنان‌که می‌توان این موضوع را یکی از حساس‌ترین مسائلی دانست که جامعه کنونی ایران؛ اکنون با آن مواجه است (کلانتری و تقدسی، ۱۴۰۰: ۴۳). پوشش به مثابه شیوه رفتار متأثر از ارزش‌های فرهنگی هر شخص است (آروان و ویردانیا، ۲۰۲۰: ۱۲۲). از این‌رو نوع پوشش، انواع گرایش‌های مذهبی، سیاسی و حتی قومی افراد را نشان می‌دهد و در ساختن نظام معنایی^۱ برآمده از ارزش‌های حاکم نیز نقش مهمی ایفاء می‌کند (سالاری‌فر، بیاتی و سالاری‌پور، ۱۳۹۶: ۱۰۵). پوشش، شأنی از شئون انسان و پدیده‌ای است که تقریباً به اندازه طول تاریخ بشر، سابقه و بهقدر پنهانه چغرافیای زمین، گسترش داشته و تحت تأثیر فرهنگ و معرف شخصیت افراد است (شاهسنایی و طباطبایی، ۱۳۹۶: ۹۰). موضوع پوشش لباس در واقع در بستری از روابط اجتماعی شکل می‌گیرد که چارچوب مسائل زنان در ابعاد مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مؤثر است (پورحسن درزی، ۱۳۹۹: ۸۴). پوشش افراد به مثابه کنش اجتماعی است و فرد کنش‌گر برای آن معنایی ذهنی و ارزشی نمادین قائل است. کنش او در ارتباط با دیگران در عرصه ارتباطات میان فردی و تحت تأثیر دریافت) انتظارات دیگران در حوزه عمومی است (هوانگ و کیم، ۲۰۲۱: ۱۷۶).

حجاب، در معنای عام پوششی است که فرد را از جلوه‌گری و خودنمایی دور کرده و به نحوی موجب تجسس و بازتاب بیرونی عفاف شناخته می‌شود. در حوزه جهان اسلام براساس آیات، روایات و احکام، مسئله رعایت حجاب، یک آموزه و دستور دینی است. قرآن کریم تمایل به رعایت حریم عفاف و حجاب، به‌ویژه پوشیده بودن را از امور فطری و درونی انسان می‌داند که از آغاز خلقت آدم و حوا در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شده است (سعیدی رضوانی و غلامی، ۱۴۰۱: ۱۵۵). در کشور ما نیز مسئله رعایت حریم عفاف، و به‌ویژه حجاب، به عنوان یکی از ارزش‌های دینی، عرفی و انقلابی جمهوری اسلامی ایران است که با تربیت دینی عجین شده است؛ البته خاطرنشان می‌شود بحث رعایت حریم عفاف و حجاب هم در خصوص آقایان و هم بانوان مصدق پیدا می‌کند و قرآن نیز بر این امر تکیه دارد (سلمان‌پور، ۱۴۰۰).

حجاب به مثابه رسانه‌ای ارتباطی و به عنوان کنشی اجتماعی، از یکسو تحت تأثیر ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و از سوی دیگر متأثر از کنش‌گران زن و مرد در ابعاد مذهبی، منزلتی و شخصیتی است. ارتباطات نمادین، پایه و اساس تمامی کنش‌های اجتماعی شناخته شده است (تیم، ۲۰۱۸: ۱۱۸). حجاب به عنوان ارتباط نمادین صرفاً به مقوله پوشش بدن تقلیل نمی‌یابد؛ بلکه شامل زبان بدن، مدیریت بدن، آرایش بدن و زبان اشیاء در عرصه ارتباطات غیر کلامی نیز می‌شود که ممکن است در شرایط اجتماعی و فرهنگی دارای شکل و قالب متنوع با جوهر یکسان یا به عکس

1. Aruan & Wirdania
2. Semantic system
3. Hwang & Kim
4. Thimm

باشد (دشتی، معینی، شهرآبادی، بیرانوندپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳). بنابراین به عنوان یک مسئله اجتماعی؛ ضروری است مورد شناخت علمی قرار گیرد.

بر اساس اسناد بالادستی از جمله برنامه درسی ملی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، یکی از اهداف کلان نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، تربیت انسان‌های با ویژگی‌هایی همچون مؤمن و مخلق به اخلاق اسلامی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی است که در تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. حیات طیبه به عنوان آرمان تعلیم و تربیت تمام ساحتی، مستلزم نگاه ویژه به ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است (زهروی، ۱۳۹۹). مدرسه و برنامه درسی مهم‌ترین مرکز رویش ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی است (هاشمیان، ۱۴۰۰: ۱۶۶). اگرچه مسئله حجاب و عفاف به ظاهر یک مسئله کهن و تکراری است، اما مرزهای دینی و فرهنگی آن یکی از مباحث مهم در حوزه مطالعات فرهنگ دینی و اجتماعی است (کریمی ثانی و کاظمپور دیزجی، ۱۴۰۰: ۲). مدارس، مراکز تعلیم و تربیت و تزکیه‌اند. آموزش عملی احکام دینی، بخشی از وظایف معلم و دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد. توصیه، بدون تعلیم و تربیت، پوشش دینی را به دستوری خشک و تحمیلی مبدل می‌سازد، ولی توصیه همراه با معرفت، پذیرش آن را آسان می‌کند (سعیدی رضوانی و غلامی، ۱۴۰۰: ۴۳). آن‌گاه که پوشش دینی در محیط‌های اجتماعی و پس از پایان آموزش عمومی، به شکل فرهنگ پذیرفته شده درآید؛ رسمیت علمی پیدا می‌کند. هرچند که نهاد اجتماعی مدرسه، برای انتقال ارزش‌ها به نسل نوجوان، مثمر ثمر است (Zahediyan و صدری ارحامی، ۱۳۹۹)، باید توجه داشت که کانون خانواده به عنوان نخستین و کوچک‌ترین واحد تشکیل‌دهنده جامعه و مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نهاد در فرهنگ‌سازی و انتقال مفاهیم فرهنگی است. حجاب‌مندی فرزندان نوعی انتقال بین نسلی است؛ بنابراین لازم است به خوبی مبتنی بر احکام الهی و همچنین هنجارهای اجتماعی و فرهنگی تفسیر و تبیین شود (عسگری یزدی و موسوی، ۱۳۹۹: ۱۸).

حجاب در جامعه ما از موضوعات بحث‌برانگیز و دامنه دار بین طیف‌هایی از کنش‌گران است (ظهیری‌نیا، رستگار و پاشا امیری، ۱۳۹۷: ۱۲۵). اگر چه اهمیت رعایت حجاب و حدود پوشش بنابر نظام اسلامی جامعه، امری ضروری است اما طی سالیان اخیر، الگوی پوشش در بین دختران همواره در حال تغییر بوده بهنحوی که در بسیاری از موارد با معیارها و هنجارهای اجتماعی چندان مطابقت نداشته است (محمدی یگانه، ۱۳۹۹: ۳). بی‌حجابی، پدیده‌ای اجتماعی است که برای رسیدن به عوامل آن باید با نگاهی اجتماعی مسئله‌ها و زمینه‌های آن را دید (نعمتی‌فر و صفورایی پاریزی، ۱۳۹۸). یکی از بزرگ‌ترین معضلهای کشور ما کمرنگ شدن تدریجی نگاه اجتماعی به پدیده بی‌حجابی است (میرجلیلی و گل‌محمد، ۱۳۹۸: ۱۹۸). عدم رعایت موازین پوشش در برابر الگوهای مسلط در جامعه بیان‌گر عمق چالشی است که حاکمیت در زمینه پوشش طی سالیان اخیر با آن روبرو بوده است (کلانتری و تقاضی، ۱۴۰۰: ۴۲). بنابراین «بدحجابی» و نگرانی از رواج آن در جامعه همواره یکی از موضوعات و مسائل اجتماعی است که در جامعه ما مطرح است.

تبیین صحیح ضرورت و نقش حجاب در اجتماع، زمینه‌های توسعه و ترویج آن با مشارکت همه مردم فراهم می‌شود. اگر دانش‌آموزان با فواید و فلسفه وضع این پدیده از منظرهای مختلف دینی، عقلی، علمی،

روانی و حتی زیباشناختی آشنا شوند؛ گرایش رعایت مطلوب آن افزایش می‌یابد (درزی، جعفری هرنده و موسوی، ۱۳۹۸). تهاجم سبک‌های پوشش غربی و غیر اصیل در بین زنان و دختران جوان و گسترش آن در برخی مدارس متوسطه دخترانه بخشی از جامعه را تهدید کرده است. اگرچه تغییر ظاهر و بهره‌مندی از نمادها برای اعتراض نسبت به سیاست‌های دولت همواره امری طبیعی در جوامع، به‌ویژه کشورهای غربی بوده است (Blaagaard¹, ۲۰۱۹ و Croucher², ۲۰۰۸). اما تغییر نگرش نسبت به عفاف و بی‌توجهی نسبت به مقوله حجاب، امری نگران‌کننده و قابل تأمل است؛ که در میان نوجوانان مشاهده شده است. از این‌رو دریافت نگرش و گرایش دانش‌آموزان نسبت به لزوم رعایت یا عدم رعایت حجاب کمک شایانی به برنامه‌ریزی جامع در مورد این پدیده می‌کند. بنابراین، این پژوهش به‌دلیل پاسخ به این پرسش است که برخی از دانش‌آموزان دختر متوسطه چه نگاه و تصوری نسبت به مفهوم حجاب دارند و این نگاه چه دلالت‌های معنایی دارد؟

مطالعات پیشین

مرور پژوهش‌های انجام‌گرفته، نشان‌دهنده آن است که در بیش‌تر پژوهش‌های داخلی رویکرد حاکم بر مطالعات حجاب دانش‌آموزان دختر از نوع کمّی بوده و با متغیرهای ثانویه دیگری گره خورده است (برای مثال احمدپور، ۱۴۰۱؛ کریمی‌ثانی و کاظم‌پور دیزجی، ۱۴۰۰؛ کلانتری و تقدسی، ۱۴۰۰؛ سلمان‌پور، ۱۴۰۰؛ حکمت و فولادچنگ، ۱۳۹۹؛ نعمتی‌فر و صفورایی‌پاریزی، ۱۳۹۸؛ دشتی و همکاران، ۱۳۹۵ و زارعی توپخانه، مرادیانی گیزه‌رود و هراتیان، ۱۳۹۳) این درحالی است که مسئله حجاب به‌خصوص برای نوجوانان که در حال شکل‌گیری هویت شخصی هستند، دغدغه‌ای مبتنی بر باورها و ارزش‌هایی در حال نمود است که دست‌یابی به آن؛ مستلزم فهم عمیق است. این پژوهش‌ها با در نظر گرفتن متغیرهایی چون نقش خانواده و فضای مجازی به‌دلیل ترسیم رابطه برای تبیین کم‌حجابی یا بی‌حجابی نوجوانان بوده و البته نگاهی گسترشده بر عل آن از زبان ذی‌نفعان را ترسیم و بیان نکرده‌اند.

مهدوی و سید‌شرافت (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان اندازه‌گیری و مقایسه نگرش به حجاب و هوش معنوی در بین دانشجویان متأهل و مجرد با هدف تحلیل نوع نگرش‌ها به حجاب و فرهنگ بیان داشتند که حجاب فرصتی را برای شکوفایی زنان فراهم کرده و عدم محدودیت را به‌همراه دارد. از این‌رو فرهنگ‌سازی در خصوص حجاب را میان ورزشکاران زن پیشنهاد داده‌اند. این در حالی است که تبیین علل کشف حجاب میان ورزشکاران زن در میدان‌های بین‌المللی صورت نگرفته و نگاهی جامع به تصور و نگرش و باورهای زنان در خصوص حجاب احصاء نشده است. سعیدی رضوانی و غلامی (۱۴۰۱)، در بررسی رویکرد کیفی و روش پدیدارشناختی در انتقال آموزه‌های ارزشی، دینی و اخلاقی نظیر حجاب، استفاده از ابزارهای هنری نظیر کتاب، نتایج مؤثر و ارزشمندی را به‌همراه خواهد داشت. مطالعه امینی زرین و ربانی (۱۴۰۲) نشان داد که آسیب‌های آموزشی-درسی، عرفی-اجتماعی، پرورشی-تربیتی، روانی-عاطفی، حاکمیتی-قانونی، فرهنگی-هویتی و فلسفی - اعتقادی آسیب‌هایی است که لازم است مورد توجه سیاست‌گذاران این حوزه قرار گیرد.

1. Blaagaard
2. Croucher

مروری بر مطالعات خارج از کشور نشان داد که پژوهش‌هایی مانند (کارامان^۱ و کریستین، ۲۰۲۰) و (رابینسون^۲، ۲۰۱۶) اذعان دارند که حجاب در کالج و دانشگاه‌ها به عنوان سمبولی برای ادیان مذهبی بدل شده و نگرش و تصور عمیقی نسبت به بهره‌گیری از آن در اذهان عمومی وجود ندارد و صرفاً به عنوان یک نماد برای پیروی ادیان مذهبی است (فانی، محتشمی، کرمخانی و عبدالجباری^۳، ۲۰۲۰). در پژوهشی با عنوان روند روپارویی دانشجویان با حجاب به بررسی ارزش‌های فردی و فرهنگی و باورهای شخصی در خصوص مسئله حجاب، پرداخته‌اند. تغییر و دگرگونی ارزش‌ها برای دانشجویان منجر به تغییر رفتارهای نهادینه شده و عملأً پدیده حجاب نیز همانند یک عنصر دچار تغییر و تحول شده است. فانی تصور دارد که حجاب تنها وابسته بر یک فرهنگ اجتماعی بنا شده است. بنابراین مانند هر هنجار پذیرفته شده، می‌تواند در طی سالیان دچار تغییر و تحول شود.

گرین و سعید^۴(۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان آیا حجاب یک گرایش مدگرایانه است؟ به بررسی علل حجاب زنان در مالزی پرداخته و گزارش کرده است که رعایت حجاب در میان غیرمسلمانان بیشتر به علت یک خلاقیت صنعت مدرشد یافته، این در حالی است که در زنان مسلمان عمدتاً مبتنی بر علل ارزش و باور دینی، فرهنگی، اجتماعی و غیره استوار بوده است.

نوزیمووا^۵(۲۰۱۶)، در پژوهشی با عنوان حجاب در جامعه تاجیک در حال تغییر در خصوص حجاب زنان در کشور تاجیکستان عنوان می‌کند که گرایش برخی افراد به سوی بدحجابی و بعض‌ای حجابی صرفاً به دلیل جو اجتماعی حاکم بر کشور بوده و تقليد فرهنگ غربی به‌ویژه در رابطه با صنعت مدد و لباس و تقاضای اجتماعی؛ بوده است.

با مرور مطالعات پیشین در خصوص پدیده حجاب، چنین استنتاج می‌شود که درک و فهم عمیق در خصوص پدیده حجاب به‌ویژه در میان نسل جوان و دانشآموزان وجود نداشته و با نسل بزرگ‌سال فاصله دارد که جزیئنگری، نبود نگاه کلان و همه‌جانبه و خلاء بهره‌گیری از کاوش نگاههای ذی‌نفعان؛ از موارد فاصله مورد ادعا میان وضع موجود و انتظارات اجتماعی پدیده حجاب است. همچنین توجه بیشتر به ایجاد فضای تعاملی مبتنی بر درک پدیده حجاب، فهم عمیق از ارزش‌ها از مناظر متعدد معنوی، حقوقی و اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز کاهش فاصله نسل جوان با ارزش‌ها و فعال کردن پتانسیل زنان در شکوفایی؛ بخش اعظم جامعه شود. کم‌توجهی به این مسئله، می‌تواند زمینه‌ساز تداوم تصمیمات مقطعی و کنش‌های هیجانی شده و مسیر بالندگی مادران آینده را با خطر بازیچه شدن به دست تهاجم فرهنگی و جهانی قرار دهد که فرجام آن نگرش نادقيق و ناصواب در خصوص پاسداشت مقام زن در کشورهای اسلامی به‌ویژه ایران است. با این وصف در این پژوهش تلاش شده است که به این پرسش‌ها پاسخ داده شود:

۱- دانشآموزان مقطع متوسطه دختر چه تجربه زیسته‌ای از پدیده کشف حجاب در مسیر مدرسه دارند؟

۲- عوامل مؤثر بر حجاب (تسهیل‌کننده‌ها و بازدارنده‌ها) از نگاه دانشآموزان مقطع متوسطه دختر چیست؟

1. Karaman & Christian

2. Robinson

3. Fani, Mohtashami, Karamkhani & Abdoljabbari

4. Grine, & Saeed

5. Nozimova

روش پژوهش

پژوهش حاضر در زمرة پژوهش‌های کاربردی قرار گرفته و با هدف واکاوی و فهم تجارب زیسته دانشآموزان مقطع متوسطه دختر از پدیده کشف حجاب در مسیر مدرسه انجام شد. با توجه به ماهیت پدیده مورد بررسی، از روش پدیدارشناسی^۱ استفاده شده است. از این‌رو فهم چنین پدیده‌ای و معنابخشی آن از منظر افرادی که به‌طور مستقیم پدیده مورد نظر را تجربه کرده‌اند؛ نیازمند بهره‌گیری از روش پدیدارشناسی از نوع توصیفی است. به بیان دیگر، در پژوهش حاضر، با استفاده از رویکرد پژوهش کیفی، پژوهش‌گر با ورود به دنیای درون ذهن مشارکت‌کنندگان و دریافت دیدگاه‌های آنان به شناسایی تجربه‌هایشان اقدام کرده است (کاییدی، نصر، شریفیان و موسوی‌پور، ۱۴۰۱).

در این پژوهش، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، پانزده تن از دختران متوسطه سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ در مسیر مدرسه به خانه و بالعکس که دارای ویژگی کشف حجاب بودند؛ به عنوان مشارکت‌کنندگان آگاه و کلیدی انتخاب شدند و مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند. برخی از معیارهای انتخاب نمونه پژوهش عبارت‌اند از: نبود هیچ سابقه بی‌انضباطی، نبود شکایت و نارضایتی از طرف معلمان و والدین، سلامت جسمانی و روانی، نداشتن رفتارهای ضد اجتماعی، سکونت در محله مدرسه واقع شده بود. دلیل انتخاب این معیارها، مطالعه دانشآموزان عادی و بدون مشکل رفتاری با فرهنگی مشترک است. به‌منظور گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. با بررسی پژوهش‌ها در زمینه پدیده حجاب دانشآموزان، موارد لازم برای تدوین فرم مصاحبه پژوهش گرساخته، استخراج و کاربرگ اولیه تدوین شد. مصاحبه‌ها تا زمان اشیاع داده‌ها ادامه یافتند، یعنی تا زمانی که با افزایش تعداد مصاحبه‌ها نظر جدیدی از افراد یافت نشد و مضامین استخراج شده از سایر مصاحبه‌شوندگان همانند مضامین قبلی تکرار شد. با اجازه مشارکت‌کنندگان مصاحبه‌ها ضبط شده و مشارکت‌کنندگان از انصراف در هر زمان از پژوهش آزاد بودند. حفظ سکوت و آرامش در مکان مصاحبه، محترمانه بودن مشخصات و پاک شدن فایل مصاحبه‌ها در صورت تمایل، اطلاع رسانی از نتایج کلی پژوهش به شرکت‌کنندگان از دیگر نکات اخلاقی بود که در این پژوهش رعایت شد. مصاحبه‌های مورد استفاده که به‌طور متوسط شصت دقیقه در محل خارج از مدرسه به طول انجامید؛ به‌وسیله ضبط صوت، ثبت و سپس مكتوب شدند. جدول ۱، مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش را نشان می‌دهد:

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

کد	پایه تحصیلی	رشته تحصیلی	معدل	وضعیت انضباطی
۱	دوازدهم	ریاضی فیزیک	۲۳.۱۸	عالی
۲	یازدهم	علوم تجربی	۱۹.۱۷	عالی
۳	دهم	ریاضی فیزیک	۸۱.۱۶	خیلی خوب
۴	دوازدهم	علوم تجربی	۱۲.۱۹	عالی
۵	دهم	علوم انسانی	۱۸.۱۸	خوب
۶	یازدهم	ریاضی فیزیک	۸۷.۱۸	عالی
۷	یازدهم	علوم انسانی	۵۷.۱۷	عالی
۸	یازدهم	علوم انسانی	۹۳.۱۶	خیلی خوب

کد	پایه تحصیلی	رشته تحصیلی	معدل	وضعیت انصباطی
۹	دهم	ریاضی فیزیک	۳۴.۱۸	عالی
۱۰	دوازدهم	علوم انسانی	۱۹.۱۷	خیلی خوب
۱۱	دوازدهم	علوم انسانی	۲۳.۱۹	عالی
۱۲	دهم	علوم انسانی	۷۸.۱۷	خیلی خوب
۱۳	یازدهم	ریاضی فیزیک	۲۳.۱۷	عالی
۱۴	دهم	ریاضی فیزیک	۹۸.۱۶	خوب
۱۵	دهم	علوم انسانی	۸۴.۱۷	عالی

در برخی موارد نیز، مصاحبه در دو نوبت ادامه یافت. برای تحلیل مصاحبه‌ها از روش کدگذاری تحلیل مضمون^۱ استفاده و بر اساس دو مرحله کدگذاری باز و محوری انجام شد. ابتدا نکات کلیدی هر مصاحبه شناسایی و استخراج شدند، سپس مفاهیم موجود در نکات کلیدی معین و برحسب مضامین مشترک، مفاهیم تحت مقوله‌های معینی مورد دسته‌بندی قرار گرفتند. علاوه‌بر این، اعتباربخشی نتایج با اتکاء به معیارهای چهارگانه لینکلن و گوبا (۱۹۸۵)، باورپذیری، انتقال‌پذیری، اعتمادپذیری و تأییدپذیری توسط گروه همتایان با تجربه در انجام طرح‌ها و حوزه آموزش‌وپرورش تأمین شد. همچنین ارائه موارد مستخرج از هر مصاحبه به فرد مصاحبه شده که با هدف وارسی دوباره مشارکت‌کننده‌ها انجام گرفت؛ ملاکی برای تأیید یافته‌های پژوهش (وارسی دوباره توسط اعضاء^۲) بود. جدول ۲ نمونه‌ای از کدگذاری مصاحبه‌ای مشارکت‌کنندگان را نشان می‌دهد:

جدول ۲: نمونه‌ای از کدگذاری در فرایند پژوهش^۳

من مسخرج	مضمون بعد	مؤلفه
کد (۶): بستگی به زمانش داره؛ زمانی که مامان بزرگم هس. سرم می‌کنم		
کد (۱۱): حاجیم رو شرایط معین میکنه؛ توچ شرایطی باشم. مثلاً موقع عزاداری.		
کد (۱۳): سنگینی میکنه همیشه که رو سرم؛ زمانی حس کنم باید سرم باشه؛ خب آره	وابسته به زمان	
کد (۲): همیشه جور پوشش که خوب نیس. زمان کاری جور خب....		
کد (۵): بستگی به حال و زمانش داره... باید ببینم، بسنجم... مناسب با اون... انتخاب کنم		
کد (۹): یک چند روزی؛ روزه می‌گیرم گاهی، اون جا حاجیم دارم خب... زمانش باشه؛ آره		
کد (۱۵): واقعاً مث لباس میمونه، مثلاً تو ماشین، اصن واچ بیس... آزاده موها...		
کد (۱۰): دوس دارم خودم انتخاب کنم حاجیم رو. خونه عموم احترام می‌زارم. ولی بازار نه	وابسته به مکان	
کد (۴): موقعیتش مهمه، کجا باشه، نقش من اونجا چیه... مؤثر و مهم برام.		
کد (۱۲): سلیقه‌اس دیگه، تشخیص خودم و جایی که میرم و اینا		
کد (۳): مدرسه رو مجبوریم. ولی بیرونش رو مجبور نیستم.		
کد (۹): ای جاهایی آره. مثلاً حرم که میرم، برای احترام و اینا. بستگی داره.		
کد (۱): خودمم مهمام. نه کس دیگه؛ هیشکی نمیتونه دخالت کنه و اجبار کنه من رو	اقتضای شخصی	
کد (۲): بر اساس حال خودم؛ تصمیم می‌گیرم. سلیقه خودم. پاشنه بلند، کوتاه، شال یا بی‌شال		
کد (۱۴): نوع جو و فضا برام مهمه، جلو پدر دوستم، روم نمیشه تو راه برگشت خونه		
کد (۷): انتخاب شخصی خودم... نه چیز دیگه. باید اینجور باشی فقط. بقیه مهم نیستن		
کد (۸): آگه زورم برمه نمی‌زارم کسی دخالت کنه. فکر خودم، نگاه خودم مهمه.		

1. Thematic analysis

2. member check

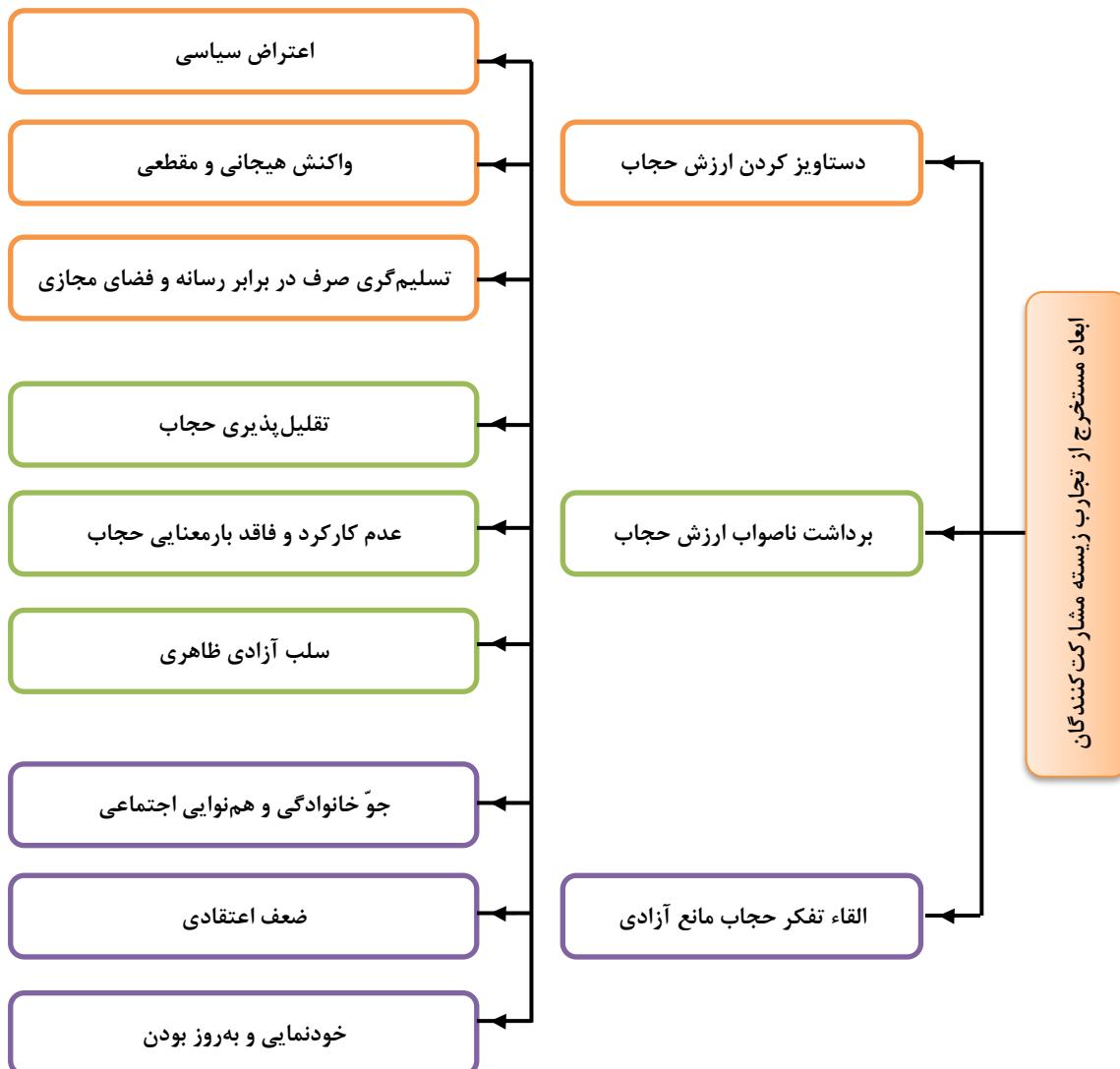
3. قابل ذکر است که به جهت طولانی نشدن پژوهش، قسمتی از کدها درج شده است.

برای اعتبار بخشی به مقوله‌های کشف شده؛ نتایج در اختیار سه نفر از متخصصان موضوعی (هیئت علمی دانشگاه و درجه حداقل دانشیار علوم تربیتی) قرار گرفت و پس از گردآوری و بررسی نظرات، روایی محتوایی بر اساس داوری تخصصی تأیید شد. برای بررسی فرایند کدگذاری، از کدگذار دوم برای بیست و پنج درصد موارد کدگذاری استفاده شد که میزان همخوانی در کدگذاری برابر با ۹۰ درصد مشاهده شد.

یافته‌هاک پژوهش

پرسش نخست: ۱- دانشآموزان مقطع متوسطه دختر چه تجربه زیسته‌ای از پدیده کشف حجاب در مسیر مدرسه دارند؟

برای پاسخ دادن به این پرسش از تجارب دانشآموزان دختر مقطع متوسطه به عنوان مشارکت‌کنندگان پژوهش بهره گرفته شد. بر این اساس، ابعاد دهگانه زیر استخراج شد:



شکل ۱: مضامین و مؤلفه‌های چالش کشف حجاب

بعد محور: دستاویز کردن ارزش حجاب

۱- اعتراض سیاسی

حجاب به عنوان یک دستاورد دینی و عرفی، تضمین‌کننده شکوفایی ظرفیت زنان جامعه قلمداد می‌شود. تصمیم‌گیری‌های کلان و سیاست‌های دولتها در خصوص پدیده حجاب و بدیلهای آن اعم از کم‌حجابی و بی‌حجابی نبایستی دست‌خوش بازی‌های سیاسی دولتها حاکم قرار بگیرد. ترویج فرهنگ حجاب، مستلزم ظرافت‌های خاصی است که بایستی با در نظر گرفتن حجاب آسیب‌زا و نه صرفاً حجاب شرعی؛ با احتیاط دنبال شود. وجود سازمان‌هایی با شعار امر به معروف و نهی از منکر بدون در نظر گرفتن حدود و ثغور پوشش افراد و زیرساخت‌های لازم، نه تنها اثربخشی را در خصوص این پدیده فراهم نکرده؛ بلکه حسن تنفر و اجبار را در نوع پوشش القاء می‌کند. مشارکت‌کننده شماره (۴) اذعان دارد که «یکبار گشت آنقدر بد با من برخورد که انگار قتلى چیزی انجام دادم؛ واقعاً اون‌جا پوشش‌م سه‌وی بود و حواسم به روسای ام نبود؛ ولی از اون به بعدش؛ از عدم می‌ندازم».

از این‌رو در این خصوص بسیاری از مشارکت‌کنندگان؛ دلیل اصلی عدم رعایت پوشش خود را به خصوص پس از مدرسه، مبارزه با برخوردهای نابه‌جا و ناصواب دولت و برخی افراد عنوان کردند. مشارکت‌کننده شماره (۱۲) «حجاب من اسلحه من، باید دولت بفهمه که منم هستم، من رو ببینه، من رو باید قبول کنه». هم‌چنین در این خصوص شرکت‌کننده شماره (۷) بیان دارد که: «سیاست‌های دولت در خصوص حجاب ایراد داره، من راستش با خود حجاب مشکل ندارم، با کارهایی که می‌کنند مشکل دارم».

بنابراین یکی از تجارب زیسته در خصوص کشف حجاب دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه مطالبه‌گری سیاسی است. این مقوله نیازمند اصلاح و بازنگری در خصوص نوع مواجه با تبیین سازوکار پدیده حجاب است.

۲- واکنش هیجانی و مقطعی

نوجوانی از حساس‌ترین مراحل زندگی است و آن را دوره گذر از کودکی به بلوغ می‌دانند. دوران نوجوانی و جوانی دورانی سرشار از تغییرات و چالش‌ها است که می‌توان با آگاهی دادن و آموزش‌های مناسب آن را به دورانی برای پیشرفت تبدیل کرد. با توجه به رشد سریع در دوره نوجوانی، این دوره به عنوان یک دوره پر خطر برای افراد شناخته شده است، تا جایی که برجسته‌ترین مفهوم درباره نوجوانی، «طوفان و فشار» است. تغییرات نوجوانی با نوسان‌های پرشور عاطفی و آشتفتگی‌های هیجانی همراه می‌شود. بیش‌تر متخصصان معتقدند که نوجوانی، دوره بحرانی برای توسعه و رشد آسیب‌های روانی است. احتمالاً بیش از هر دوره دیگر نوجوانی زمانی است که تحولات شدید و وسیع افراد را از ابعاد جسمانی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تحت تأثیر قرار می‌دهند.

تجارب مشارکت‌کنندگان بیان‌گر نوعی واکنش هیجانی و احساسی نسبت به وقایع اجتماعی بوده، که در نحوه حجاب و پوشش آن‌ها تأثیر گذاشته است. به طور مثال مشارکت‌کننده (۹) اذعان دارد که: «دیگه چون دیدم، اکیپیمون دارن، همراهی می‌کنند؛ منم مقنعه‌ام رو برداشتم، ولی بعدش باز دیدم ضایس اینا»

هم‌چنین مشارکت‌کننده (۱۰) نیز بیان دارد: «کیف داشت آخه، همه نگا می‌کردن، چه کار شاخی داشتیم می‌کردیم، البته وقتی تنها م در نمی‌یارم».

برخی نظریه‌های روان‌شناسی کج روی‌های افراد به‌ویژه نوجوانان و جوانان را ناشی از اراده و تصمیم آگاهانه به هنجارشکنی یا تلاش برای جای‌گزینی ارزش‌های فرهنگی نمی‌دانند، بلکه بیشتر نشانه احساس‌گرایی خام، هوای خواهی و امثال آن می‌دانند (مختارنیا، زاده‌محمدی، پناگی و چرافی، ۱۴۰۰). نمی‌توان تصور کرد که انسان همیشه به شکل عقلانی، اعمالی را انتخاب کرده و انجام می‌دهد. می‌توان موارد زیادی از رفتارها را در نظر گرفت که محاسبه و انتخاب سود و زیان در آن مطرح نیست. افراد ممکن است تحت تأثیر احساسات لحظه‌ای یا عوامل غیر عقلانی مرتكب امری شوند؛ که بعض‌اً زودگذر و نسبت به آن پشیمان خواهند بود. انتظار می‌رود که مدارس به طرق مناسب و مطلوب، از طریق مشاوران و بعض‌اً معلمان، نسبت به خودشناسی دانش‌آموzan و ویژگی‌های روانی و هیجانی خود؛ آگاهی بخشی لازم را انجام دهند.

۳- تسلیم‌گری صرف در برابر رسانه و فضای مجازی

کشور ما جامعه‌ای در حال گذار است و طبیعتاً بیش از سایر جوامع که مسیر توسعه یافته‌گی را بر اساس ارزش‌ها، آرمان‌ها و اصول اولیه نظام حکومتی خود طی کرده‌اند در برابر رسانه‌های جدید و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی در معرض خطر است (نعمتی‌فر و صفوری‌پاریزی، ۱۳۹۸). یکی از دلایل این امر می‌تواند ناشی از عدم هماهنگی و انطباق میان ورود و نفوذ شبکه‌های اجتماعی به داخل کشور و گسترش و آموزش فرهنگ استفاده از آن‌ها در جامعه باشد. شبکه‌های اجتماعی نظری اینستاگرام، با توجه به ماهیت آن، از پتانسیل بیشتری برای خودنمایی و ارائه خود برخوردار است. قابلیت تأیید و عدم تأیید گرفتن نسبت به رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌ها در فضای مجازی، منجر به ترویج فرهنگ‌های غربی و نمود بی‌حجابی را فراهم می‌کند. مشارکت‌کننده (۷) بیان می‌کند: «خب اولاد استوری هام با حجاب بودن، ولی خب وقتی دیدم خیلی از دوستانم با آرایش و لباس مهمونی می‌زارن و لا یک زیاد دارن، یواشکی منم گاهی یکم می‌زارم». مشارکت‌کننده (۱۵) نیز بیان دارد: «خب وقتی دیدم تو شبکه‌های مجازی یک موج بی‌حجابی راه افتاده، حرف از آزادی می‌زن، منم خواستم همراه بشم».

بنابراین یکی از ابعاد کشف شده از تجارب مشارکت‌کنندگان در پژوهش تسلیم‌گری صرف و منفعلانه نسبت به اخبار فضای مجازی و رسانه‌های غربی است. نوجوانان دختر با توجه به هویت در حال شکل‌گیری، غلیان و جوشش درونی و هم‌چنین عواطف مضاعف نسبت به محتوای فضای مجازی، منفعل بوده و نمی‌توانند در برخورد نخست، یک واکنش نقادانه و تحلیلی را برآورده سازند. عدم تبیین مناسب و مطلوب و هم‌چنین کاهش اعتماد نسبت به رسانه‌های داخلی منجر به کارگردانی اصلی نظام غرب بر رسانه و فضای مجازی شده است. از این‌رو نیاز است که در کنار فرهنگ‌سازی و اقدامات جدی در خصوص فضای مجازی، محتوای دروس بازنگری شده و تفکر انتقادی و تأملی هسته مرکزی برنامه‌درسی را تشکیل دهد.

بعد محور^۱: دستاویز کردن ارزش حجاب

۱- حجاب گزینشے^۱

یکی دیگر از مؤلفه‌های کشف شده از تجارت زیسته دانش آموزان دختر مقطع متوسطه؛ حجاب گزینشی است. برخی از مشارکت کنندگان تصور دارند که حجاب با توجه به بحث پوشش، یک مقوله صرفاً شخصی است و این آزادی اجتماعی است که این امکان را به افراد مرد و زن می‌دهد که با توجه به سلیقه، علاقه و حتی وضعیت مالی نوع حجاب خود را انتخاب کنند. مشارکت کننده (۸) بیان دارد: «ین که شما کت شلوار بپوشی یا شلوار پارچه‌ای یا حتی شلوار کتون رو کی تعیین می‌کنه؟ خودتون دیگه... خب منم دوست دارم خودم انتخاب کنم، پوشش خودم رو، خودم برآش حد و مرز بزارم». مشارکت کننده (۱۴) نیز اذعان دارد که «مگر نه این که پسرها بعضی هاشون موهاشون کوتاه، بعضیا دم اسبی می‌یند! بعضی لباس مارک دارن، ساعت دارن، نمی‌دونم هزارتا مسئله دیگه، پیپ دارن، سیگار می‌کشن، تازه به بقیه هم صدمه می‌زن، بعد منم دوس دارم که نظر شخصیم باشه که موهم روی دوشم باشه، آزاد باشن».

هم‌چنین برخی مشارکت کنندگان تصور حجاب انتخابی وابسته به مکان را مطرح کرده‌اند. بدین معنا که انتخاب حجاب به مثابه پوشش؛ وابسته به مکان و محل آن دارد. بنابراین همان‌طور که در برخی مکان‌های عمومی، خصوصی، جوّ خانواده و حتی مراسم‌های ازدواج و ترحیم، نوع پوشش افراد متفاوت و متغیر است؛ حجاب نیز به مثابه پوشش یک امر اختیاری وابسته به مکان است. مشارکت کننده (۲) بیان دارد که: «من توی مدرسه چادر سرم می‌کنم؛ همون جور که حرم که حرم سرم می‌کنم، خونه عموم، چون می‌دونم برآشون مهمه، موهم رو می‌کنم تو قشنگ، حواسم جمعه، باید احترام گذاشت. ولی مثلاً عروسی مختلط اقوام مامانم، راحتم. یا این که بیرون مدرسه خب، عرف اجتماع رعایت می‌کنم؛ صرفاً مقننه ندارم، پوشش دیگه، هرجا، بایدی جور باشه». هم‌چنین مشارکت کننده (۳) اذعان دارد: «استخری جور لباس می‌خواهد، خونه جور، بیرونی جور، من حد و مرز رو می‌شناسم. در همون حد میرم جلو».

مشارکت کنندگان دیگری نیز در این بُعد، حجاب انتخابی وابسته به زمان را بیان کرده‌اند. از این‌رو تصور حجاب را به زمان‌های به خصوصی ارجاع دادند. بدین معنا که حجاب برای مناسک مذهبی هم‌چون ادا کردن نماز یومیه، روزه گرفتن و ماههای عزاداری هم‌چون دهه محرم و فاطمیه است. مشارکت کننده (۱۱) بیان دارد: «آره خب، من موقعش بشه، سرم می‌کنم، روشهای مادربرگم، من هم کمک می‌کنم، هم حجاب دارم قشنگ». هم‌چنین مشارکت کننده (۱۳) اذعان داشت: «من اعتقاد دارم، بی‌دین که نیستم والا. ولی خب قبول ندارم که چادر باشه یا پوشش باشد شرعاً چجور باشه؛ مثلاً با روزه‌هایم، موهم پوشوند، حتی مسافرت خارجی برم، ی زمان‌هاییش، حواسم هست؛ بستگی به موقعش داره دیگه».

مفاهیم حجاب انتخابی و حجاب گزینشی، می‌تواند زیرمجموعه مفهوم دینداری گزینشی قرار گیرد. پذیرش اذعان شده توسط برخی مشارکت کنندگان که وابستگی نظر شخصی، مکانی و یا حتی زمانی بدون در نظر گرفتن اصل دینی حجاب بوده و صرفاً دلایل دیگری داشته است. مهم‌ترین دلیل برای این موضوع حس درونی و کنترل درونی هر فرد بوده است. این امر کاملاً درونی بوده و شاید بتوان مفهوم دینی حیاء

۱- قراب زیسته دانش آموزان مقطع متوسطه دوم دختر از چالش کشند. حجاب در مسیر مدرسه (یک مطالعه پیدا شناسانه)

را به آن ارتباط داد. به عبارت دیگر حس درونی در هر فرد که اجازه کمتر کردن پوشش از میزانی مشخص را به خود نمی‌دهد؛ گرچه ممکن است این میزان کمتر یا بیشتر باشد. این نوع تلقی از حجاب نیز در غرب بهوضوح دیده می‌شود (هاپکینز و گرینوود^۱، ۲۰۱۳). اما در پژوهش حاضر، مشارکت‌کنندگان این کارکرد را از حجاب شرعی جدا کرده و برای حس شخصی خود رعایت می‌کردند.

شرایط محیطی و تمامی عناصر دخیل در آن، مانند تلقی فرد از هنجارها، کنترل اجتماعی بیرونی، حاضرین در موقعیت (مشارکت‌کننده شماره ۶): من اگر مامان دوستم بیاد دنبالمون، مقنעם رو در نمی‌اوردم، آخه حس می‌کردم جلو/ون خوب نیس و یجورایی خجالت می‌کشیدم راستش «، جوّ موقعیت، شرایط محیطی و جغرافیایی و حتی زمانی نیز، علت‌های پوشیدگی در مشارکت‌کنندگان بوده است. در حقیقت حجاب یک مفهوم ثانویه تلقی شده و این افراد نه از روی اعتقاد، بلکه به علت دیگر متغیرها، پوشیدگی سر یا تن خود را حفظ می‌کردند.

۲- تقلیل‌پذیری حجاب

در نظامهای تربیتی و سیاسی، الگوهای مناسبی از پوشش به عنوان پوشش هنجار مطرح می‌شوند. انحراف از این الگوها به عنوان شکافی میان پوشش بین جوانان و میان‌سالان و نوع پوشش مادر و دختران مشاهده می‌شود، بیان‌گر مشکل اجتماعی ظهور یافته است که عوامل فرهنگی، اعتقادی، روانی، اجتماعی و سیاسی در آن مؤثرند. تقلیل‌پذیری حجاب یکی دیگر از ابعاد کشف شده پژوهش حاضر است. بدین معنا که حجاب باطنی اصل و حجاب ظاهری فرع و صرفاً پوسته‌ای تصور می‌شود. برخی مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که حجاب ظاهری، صرفاً موجب افراد شده و کارکرد دیگری ندارد. مشارکت‌کننده (۹) بیان کرد: «حقیقتاً معلم زبان مدرسمون، راحت می‌گه که من چادر رو فقط به خاطر اینجا می‌پوشم، بیرون خودم چنبار دیدمش، با زور میشه بشناسیش» هم‌چنین مشارکت‌کننده (۱) اذعان داشت که: قبل از کردیم تو مدرسه هر کی چادری، دیگه اهل دوس پسر/ینا لاقل نیس... بعد دیدیم که دست بقیه رو از پشت بسته».

از این رو مشارکت‌کنندگان بیان داشتند که حجاب ظاهری نمی‌تواند معیار مناسبی برای خوب بودن افراد باشد. حتی معتقد هستند که بی‌حیایی و مصدقه‌های آن در افراد چادری بیش‌تر نمود پیدا کرده است و افراد از حجاب به صورت عام و از چادر به‌طور خاص، سپری برای پوشاندن واقعیت‌ها استفاده می‌کنند. مشارکت‌کننده (۳) بیان دارد: «هر چی دختر عشقیه، زیر چادر مشکیه».

از این رو خلط مبحث مفاهیم پوشش، حجاب و چادر در بین مشارکت‌کنندگان کاملاً تسریع یافته است. گاه‌آن حجاب را به مثابه چادر دانسته و صرفاً هر نوع پوششی که با چادر همراه شود را به منزله حجاب کامل در نظر گرفته‌اند. این در حالی است که به‌روز رفتار، مقوله متفاوتی از حجاب؛ و حجاب نیز مرزی با حیا و عفت دارد. حجاب صرفاً یک امر ظاهری و داشتن یک پوشش نیست؛ بلکه نماد باورها و گرایش‌های دینی افراد است که با عفت و حیاء درونی آنان گره می‌خورد. عملکرد افراد در زندگی شخصی امکان دارد که صورت متفاوتی از نوع پوشش و یا بعضًا نوع حجاب آن‌ها در مکان‌های مختلف داشته باشد.

مشارکت‌کننده (۶) بیان دارد: «وقتی شاگرد زرنگ کلاس‌مون، مقنعه نداره، وقتی می‌بینم که، این‌ایی که حجاب برآشون مهم نیست، دوستای بهتری هم هستند. تصور آدم عوض میشه دیگه».

۳- عدم کارکرد و فاقد بار معنای حجاب

حجاب به عنوان یکی از عوامل مؤثر در جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی نظیر آزار جنسی، خشونت‌های زنان و حتی ابزاری برای قدرشناسی از جایگاه مقام زن به عنوان دامنی امن برای پرورش نسل آینده قلمداد می‌شود. این در حالی است که برخی مشارکت‌کنندگان پژوهش بر این باورند که کارکرد حجاب دچار تحول شده است. بعضًا اگر نوع پوشش و حجاب آنان؛ موجب مصون ماندن از نگاه نامحرمان را به دنبال داشته است؛ امروزه نماد چادر نه تنها مصنونیت را به دنبال ندارد؛ بلکه بیشتر جلب توجه کرده است. مشارکت‌کننده (۶) بیان دارد: «من گاهی چادرم سرم می‌کنم؛ ولی متلکی که میندازن پسرا کمتر نمی‌شود؛ حتی پروفایلم که چادری بود؛ بیشتر برام پیام دوستی اینا می‌یومد تا الان که سرخت گذاشت. نمی‌دونم چرا؟» هم‌چنین مشارکت‌کننده (۸) بیان دارد: «آخه باید به یک دردی بخوره دیگه، دینی و اصرار بعضی مادر را بزاری کنار؛ دلیل استفادش رو نمی‌فهمم؛ فقط جلو دست و پا رو می‌گیره و گرونه همین؛ عادی شده الان بدون مقنعه تو مدرسه ما».

موقع اصلی برخی مشارکت‌کنندگان عدم فهم وثيق در خصوص کارکرد حجاب است. یعنی افراد در موقع شناختی خود نمی‌توانند برای حجاب کارکردی را تصور کنند و یا شرایط اجتماعی بسترساز برای رعایت حجاب را تصور کنند. و نگرش منفی درباره مردان و جامعه ایران داشته و در مقام مقایسه با دیگر کشورها معتقد هستند، که اگر قرار بود حجاب کارکرد مثبتی داشته باشد، بایستی وضعیت کشور بهتر از وضعیت کشورهای دیگر می‌بود، در حالی که این امر بر عکس است و کشورهای دیگر وضعیت بهتری دارد. آن‌ها از این دو نتیجه می‌گرفتند که حجاب کارکرد اجتماعی ندارد. مشارکت‌کننده (۱۵) بیان داشت: «آخه همین ترکیه رو نگا، نمی‌دونم کشورهای درجه سه اروپایی احسن، از ما شادترن، وضعیت اقتصادی بهتر دارن، ما فقط آمارها رو نمی‌دیم؛ آمار تجاوزها، خفتگیری‌ها، خودکشی‌ها؛ بعد فکر می‌کنیم بهتریم خب».

بعد محوره القاء تفکر حجاب مانع آزاده

۱- سلب آزاده ظاهره

برخی از مشارکت‌کنندگان سلب آزادی ظاهری را ادله‌ای برای کشف حجاب خود دانسته‌اند. بدین معنا که حفظ حجاب، منجر به پوشاندن موی انسان شده و زیبایی و جمال را پنهان می‌کند. مشارکت‌کننده (۵) بیان دارد: دوس ندارم آزادی من رو بگیرن... زیباییم رو بگیرن، زن آزاد باشه، جامعه آزاد می‌شیشه». مشارکت‌کننده (۱۱) نیز بیان دارد: «من آخه نمی‌فهمم؛ چرا به بهانه حجاب، آزادی رواز دختران می‌گیرین؛ مگه ما دختر دشمن شماییم. چرا ما رو این جوری اذیت می‌کنیم. که حتی من باید یک مدل موی ساده و کوتاه رو هم باز کلی بپوشویم».

از این رو برخی افراد این‌گونه تصور کرده‌اند که حجاب مانع برای محدود کردن آزادی آنان و پنهان کردن وجه زیبایی ظاهری افراد است. بایستی توجه کرد که آداب پوشش، مراتبی دارد که عمدهاً افراد

خود را مقید به رعایت آن می‌کنند؛ همان‌گونه که نوع استخدام واژگان در ارتباط با خانواده، دوستان و مدرسه متفاوت است. رعایت حجاب عرفی در جامعه، نه تنها به دنبال محدود کردن و حصار کشیدن زنان نیست؛ بلکه با ایجاد فضایی مبربی از نگاههای غیر انسانی و شهوانی؛ به دنبال تضمین مقام و جایگاه زن است. این موهم می‌تواند با ایجاد فضایی به عنوان حقوق انسانی و اجتماعی، در قالب بحث‌های گروهی و مرکز در مدارس دنبال شود. تبیین جایگاه آزادی فردی و اجتماعی و مراتب و دلالت‌های آن؛ می‌تواند گرهای ذهنی بسیاری از کنش‌گران را در خصوص مسئله حجاب و سلب آزادی حل کند.

۸- جو خانوادگی و همنوایی اجتماعی

خانواده مهم‌ترین سنگر بازدارنده و یا تسهیل‌کننده در رابطه با حدود و ثغور حجاب است. بسیاری از مشارکت‌کنندگان بیان داشتند که نوع مواجهه خانواده با شرکت در مراسمات مذهبی، معاشرت‌های خانوادگی و دوستانه، خرید لباس‌هایی مرتبط با حجاب هم‌چون چادر و غیره، اهمیت به سایر ارکان دینی هم‌چون نماز و موارد گسترده دیگر در خصوص بینش آن‌ها نسبت به حجاب مهم و مؤثر بوده است. مشارکت‌کننده (۷) بیان داشت: «وقتی مثلاً با اقوام‌مون با غیرمیریم تابستونا، بایام گیر نمی‌ده زیاد، می‌گه راحت باشیم، یا حتی تو مسافرت‌ها، ولی مثلاً جلو در همسایه می‌گه یکم رعایت کن» مشارکت‌کننده (۴) نیز بیان داشت: «یادم نمی‌آید صبح برای نماز بایام پا شده باشه، چ برسه بخاد به حجاب من گیر بد». هم‌چنین برخی از مشارکت‌کنندگان نیز بیان کردند که فشار خانواده برای ادای ارکان دینی بسیار زیاد است؛ به نحوی که خسته از مشاجره‌های خانوادگی بوده و بعض‌اً صرفاً بابت ترس و یا زمینه‌های عاطفی خانواده حجاب را رعایت می‌کنند و کاملاً به دلیل این فشار یک طرفه و زورگویانه؛ حس تنفر را نسبت به مقوله حجاب دارند. مشارکت‌کننده (۲) بیان دارد که «بیار او مدم تو راه پله رو تمیز کنم، روسربی نداشم، بایام کتکم زد. از همون‌جا دیگه حجاب و چادر رو دوس ندارم» مشارکت‌کننده (۹) نیز بیان دارد: «من کسی بباد خواستگاریم بهش می‌گم که مت مامانم نیستم و قرار نیس حجابی داشته باشم اون‌طور؛ الان هم مجبوراً به خاطر اونا رعایت می‌کنم. تو مدرسه هم مجبورم؛ بیرونش نه».

مضمون دیگر این بعد؛ اجتماع و عرصه عمومی است. برخی از مشارکت‌کنندگان بیان داشتند که جامعه دارد به سمت تحول و تغییر حرکت می‌کند؛ بنابراین نمی‌توان در مقابل جو اجتماع و دوستان مقاومت کرد. تصور از کم‌حجاب شدن جامعه برای این دسته از افراد، به عنوان تأییدی بر بی‌حجابیان برداشت می‌شود. از زاویه‌ای دیگر این تلقی، موجب حرکت به سمت همنوایی با جامعه و کم‌حجاب شدن و تثبیت در این وضعیت می‌شود. تلقی از افراد طبقه بالای اقتصادی - اجتماعی که کم‌حجابی و یا حتی بی‌حجابی مشخصه آن است، موجب می‌شود خانم‌ها نیز به همین سمت سوق داده شوند. مشارکت‌کننده (۱۱) بیان دارد: «آخه وقتی یک کافه میری همه بی‌حجاب؛ حتی تن و اینا، بعد من چجوری برم زش نباشه خب؟ کافیه بری الان تو کوچه خیابون، قبلًا باید می‌گشتی یدونه بی‌حجاب ببینی، الان باید بگردی یدونه با حجاب چادری ببینی خب».

مشابهت می‌تواند تعامل فرد با گروه‌های دیگر را سهولت بخشد، وی را فردی مشروع و با شهرت مناسب بشناساند و در زمرة افرادی قرار دهد که شایستگی لازم را برای برعهده گرفتن نقش‌های امتیازدار

جامعه دارند. بنابراین، وقتی پذیرش یا نپذیرفتن حجاب در جامعه، اشاعه می‌یابد، بر اساس هنجارهای جامعه مشروعيت یا مقبولیت می‌یابد و در گذر زمان در جامعه ثبات پیدا می‌کند.

۹- ضعف اعتقاد

بایستی توجه کرد که آموزش عمومی با تأسی از سند تحول بنیادین آموزش‌پرورش؛ داعیه حیات طیبه و قرب الهی را دارد. از این‌رو ساحت تربیتی اعتقادی، عبادی و اخلاقی اولین ساحت مطرح شده در سند تحول بنیادین بوده که به‌دبیال تلاش مداوم جهت ارتقای ابعاد معنوی وجودی خویش و دیگران از طریق برقراری ارتباط با خداوند (عبادت و تقید به احکام دینی) و دعوت سایرین به دین‌داری و اخلاق‌مداری و حضور مؤثر و سازنده دین و اخلاق در تمام ابعاد فردی و اجتماعی است. با وجود گذشت بیش از ده‌سال از اجرای سند؛ متأسفانه ظهور و بروز ارزش‌های دینی و معنوی در مدارس آنچنان که متصور شده؛ پدیدار نشده است. بایستی توجه کرد که پدیده کشف حجاب که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته؛ نقطه عطف و شروع آن مدرسه بوده است. مکانی که بایستی محفل رشد و شکوفایی پتانسیل‌های درونی دختران به‌مثابه مادران آینده باشد؛ با وجود مشکلات طراحی و اجرای برنامه‌های درسی در سطح کلان و خرد، موجب عدم شکل‌گیری باورها و ارزش‌های مورد نظر شده است.

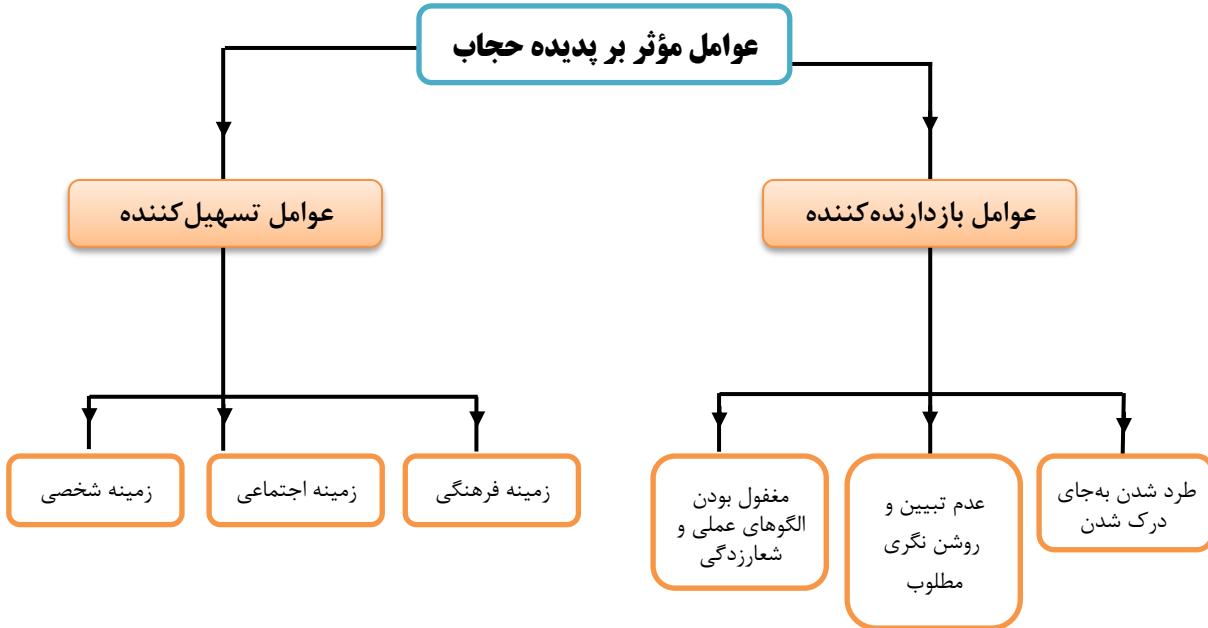
مشارکت‌کننده (۱۳) بیان دارد: «واقعاً هیچ وقت فلسفه حجاب رو نفهمیدم، هیچ اعتقادی در من شکل نگرفت. می‌فهمم گاهی بزرگ‌نمایی می‌شده؛ سیاهه نمایی میکنند، ولی کجا به ما یاد دادن آخه، معلم دینی خودمون ناخن کاشته، بعد حرف از نماز میزنه» مشارکت‌کننده (۱۵) نیز بیان دارد: «من راستش تو خونمون هیچ موقع بحث دین و نماز و حجاب اینا مطرح نبوده خب، وانتظاری هم نداشتم. اما مثلاً درس دینی ما، یک جوریه که بیش‌تر تنفر ازش داریم تا این‌که بخواهد چیزی یاد بده، مزخرفه واقعاً... دینی مزخرف‌ترین و معلم پرورشی داغون‌ترین فرد مدرسه است».

۱۰- خودنمایی و بهروز بودن

یکی از ویژگی‌های مهم زنان، خصیصه تبرّج و خودنمایی است که به صورت غریزی و طبیعی در آنان وجود دارد. همان‌طور که بی‌توجهی به غریزه خودنمایی و تبرّج برای زن زیان‌بخش است، خودنمایی و تبرّج بیش از اندازه و خارج از چارچوب حجاب نیز زیان‌بخش خواهد بود و سلامت روانی زن را به‌مخاطره می‌اندازد. بیان شد که نوجوانان در برده زمانی خاص خود؛ نیازمند توجه دیگران و تأیید گرفتن از دیگران و همسالان هستند. از این‌رو برخی از مشارکت‌کنندگان پژوهش اذعان داشتند که دلیل اصلی کشف حجاب پس از مدرسه؛ خودنمایی و جلب توجه است. مشارکت‌کننده (۸) عنوان کرد: «کیمیون بالباس فرم و بدون مقعه که میریم، قشنگ چشم بعضی در میاد. فک میکنن ما مث خودشونیم که سنتی و دمده باشیم. با فرم تازه بیش‌تر جلوه میکنه». مشارکت‌کننده (۱۱) نیز بیان کرد: «یقیناً این جوری جلوه و خوشگلیش بیشتره، راستش دوس دارم تو چشم باشم گاهی؛ من رو هم ببینم. توجه کنند». مشارکت‌کننده (۵) بیان دارد: «خب من موهم‌دِگله کردم، چرا نباید مرتب و شیک باشم و دیده بشن».

پرسش دوم: ۲- عوامل مؤثر بر حجاب (تسهیل‌کننده‌ها و بازدارنده‌ها) از نگاه دانش‌آموزان مقطع متوسطه دختر چیست؟

برای پاسخ دادن به این پرسش از تجارب دانشآموزان دختر مقطع متوسطه به عنوان مشارکت‌کنندگان پژوهش بهره گرفته شد. بر این اساس، ابعاد زمینه فرهنگی، اجتماعی و شخصی به عنوان عوامل تسهیل‌کننده رعایت حجاب و ابعاد طرد شدن به جای درک شدن، تبیین مطلوب زیر استخراج شد:



شکل ۲: عوامل مؤثر بر پدیده حجاب مستخرج از تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان پژوهش

عوامل تسهیل کننده

۱- زمینه‌ها^۱ فرهنگی

بسیاری از مشارکت‌کنندگان، یکی از اساسی‌ترین ملزمومات تسهیل کننده امر حجاب را زمینه فرهنگی، عنوان کردند. از این‌رو اگر به‌دلیل ترویج حجاب در میان نوجوانان و دانشآموزان هستیم؛ بایستی زمینه‌های فرهنگی لازم را مدد نظر قرار دهیم. نهادهایی مانند رسانه داخلی اعم از تهیه و تدوین محتوای مناسب غیرمستقیم هم‌چون آثار سینمایی فاخر، ترویج جشنواره‌های ویژه، بسط برنامه‌های آموزشی و اشاعه فرهنگی در مدارس و لزوم ورود به فضای مجازی با تسهیل‌گیری امر حجاب، می‌تواند بسترها مفیدی را بارور سازد. نکته قابل ملاحظه کار فرهنگی، تدریجی بودن و غیر مستقیم بودن آن است. بایستی با فعالیت‌های کارشناسانه و دقیق از واکنش‌های مقطوعی، هیجانی و بعض‌اً پیشگیرانه دوری جسته و فضایی کاملاً متناسب با باورها، علائق و اقتضائات نوجوانان گام برداشت. لذا فهم و درک مطلوب مسئله در قدم نخست؛ اهمیت غیرقابل انکاری در خصوص مواجهه با آن را خواهد داشت. مشارکت‌کننده (۱۱) بیان دارد: «سال قبل یک برنامه روز دانشآموز برگزار کردن، اصلانمی خواستم اولش شرکت کنم؛ ولی واقعی با شادی و ترسیم نمایش و اینا خیلی حال کردیم و خوش گذش، کلی خنده دیدیم، یه چیزایی مطرح شد در مورد حجاب که فک کنم تا آخر عمر جایی نشنونم، اخرش تازه گلم بهمون دادن». مشارکت‌کننده (۴) نیز گزارش کرد: «توبی نمایشگاه بین‌المللی بیار یک جنگ شرکت کردم با عمه‌ام، اونجا هیچ شعاری یا حریقی از حجاب

زده نشده‌ها. ولی اولش تا اخرش که می‌خواستیم بزیرم؛ قشنگ یک تکونی به آدم می‌داد. یعنی عاشق اون مجری شدم من اصن؛ ی بزنامه تلویزیونی هم بود؛ چی بود؛ لاک جیغ تا خدا چن سال پیش میزاش؛ فک کنم به اندازه کل جلسه قرآن مامانم و تمام معلم‌های پرورشیم اون ارزش داش».

۲- زمینه‌های اجتماعی

یکی از تصورات افراد مشارکت کننده در پژوهش؛ حرکت جامعه به سمت کم‌حجابی و بی‌حجابی است. مشارکت کنندگان بیان داشتند که صرفاً در بسیاری از موارد نه به علت محوری و درونی؛ صرفاً از روی هم‌رنگ شدن با گروه و افراد حاضر در جمع، مجبور به بد‌حجابی شده‌اند. از این‌رو زمینه‌های اجتماعی جامعه، به‌نحوی بر روی پوشش و حجاب آن‌ها تأثیرگذار بوده است. نوع تبلیغات رسانه‌ها و نوع تنوع پوشاسک در بازار تا جوّهای حاکم بر گروه‌های خانوادگی، همسالان و حتی درون خانواده، بر نوع حجاب آن‌ها تأثیرگذار بوده است. مشارکت کننده (۱۲) بیان دارد: «میری لباس بخری، همشون بدن نما شده، از شال اینا که بگذریم، با دوستات میری بیرون؛ خب اون یکی جینش، چسب و خاص ایناس. همه این طوری دارن میشون آخه، آره قبول دارم که محیطم روم تأثیر گذاشته و اگر مثل‌آخونمون یک جای مذهبی بود یا مدرسه‌ام یا دوستام... شاید منم الان این جوری تیپ نبود». مشارکت کننده (۱۰) نیز بیان دارد: «نمیشه بر عکس رودخونه شنا کرد؛ بی‌منطق نیستم ولی حوصله بحث هم ندارم با اینا که بجوری ان. وقتی می‌بینی قبلًا چادری بود، الان از من بازتر لباسش؛ بعد مقنعه افتاده من که دیگه این وسط چیز مهمی نیس. البته نظر شخصیشون‌ها. ولی به‌نظرم نمیشه جلوش رو گرفت».

بنابراین یکی از مقوله‌های احصاء‌شده، زمینه‌های اجتماعی در خصوص تسهیل‌گری امر حجاب است. زمانی که جامعه با بهاء دادن به افراد با حجاب به‌جای نفی افراد بی‌حجاب، زمینه‌های اجتماعی مطلوبی را تدارک ببیند. لاجرم بسیاری از افراد از جمله جوانان که در حال شکل‌گیری هویت مستقل و شخصی خود می‌باشند، نسبت به حجاب موضع مناسب‌تری را انتخاب خواهند کرد.

۳- زمینه شخصی و خانوادگی

حجاب از شعور، آگاهی و شناخت فرد آغاز می‌شود و هرچه میزان شناخت و آگاهی فرد و زمینه انتخاب او از حجاب بیش‌تر باشد، در حقیقت می‌توان حجاب او را آگاهانه، با اختیار و ریشه‌ای دانست. بسیاری از مفاهیم ارزشی و اعتقادی بایستی از همان ابتدا به صورت صحیح توسط خانواده، مهد کودک‌ها و آموزش عمومی مورد بررسی و انتقال قرار بگیرند. برخی از مشارکت کنندگان زمینه شخصی را به‌عنوان یکی از عوامل مهم در تسهیل‌گری پدیده حجاب عنوان کردند. ضعف باورها و ارزش‌ها، جهت‌گیری علاقه و سلیقه‌ها، گرایش‌های خاص خانواده و اولیاء، تصور نادقيق و ناصواب از پدیده حجاب و افراد باحجاب و البته افراد چادری، همگی به‌عنوان زمینه‌های شخصی که در صورت اصلاح می‌تواند پتانسیلی برای ترغیب و تسهیل امر حجاب مورد واقع قرار بگیرند. مشارکت کننده (۱) بیان دارد: «شاید به خاطر اعتقاداتم باشه؛ اگر واقعاً ایمانم درست بود، شاید به عنوان یک الزام دینی، این جوری نبودم. از همون مهد کودک همش آهنگ حفظ کردیم نه سوره قرآن». مشارکت کننده (۱۳):

«میدونین؛ این جوری بزرگ شدیم دیگه؛ تو خومون حرف از این چیزا نبوده احسن. همیشه با بام خانوم‌های چادری رو مسخره می‌کرد؛ البته من با چنتا شون رفیقم، خداش دخترای خوبین اینا». مشارکت کننده (۱۰) بیان دارد: «تو خونه بیار او مدم نماز بخونم با چادرم، بچه بودم خب؛ انقدر مسخرم کردن و اینا، کلّاً دل زده شدم. ولی آگه حمایت می‌شدم، نظرم و باورهایم شاید الان این جوری نبود دیگه. خیلی مهمه کجا بزرگشی، چه چیزایی روت تأثیر بزاره و حالا نگاهت نسبت به حجاب چی باشه اینا».

عوامل بازدارنده

۱- طردشدن به جای درک شدن

بسیاری از مشارکت کنندگان پژوهش چه مستقیم و چه غیرمستقیم به دنبال فهم، ارتباط و درک شدن خانواده و جامعه نسبت به خود هستند. مشارکت کننده (۱۳) بیان دارد: «کی نشستن با ما صادقانه صحبت کردن؟ کی ما رو درک کردن؛ تو خونه، ببابای آدم کارهای دیگ رو نمیبینه، پسرش رو نمیبینه، ولی روزی ده بار به من گیر میده، بیرون تو اتوبوس خانومه به من فحش داد به خاطر موهمام... نسل جوون کجای این مختصات هس؟» همنوایی و درک شدن نسل جوان و بعضًا نوجوان می‌تواند؛ میدان را از آلودگی و فرصل طلبی تهاجم فرهنگی و بعضًا سوء تفاهم‌ها خالی و مبری سازد. مشارکت کننده (۷) اذعان دارد: «واقعاً آگه بیار صحبت می‌کردن درست؛ بیار تشویق صورت می‌گرفت؛ بیار یه جایی می‌تونستیم حرف‌امون رو بزنیم. الان این جوری شدم که هرچی بازیگر مورد علاقم بگه، خدایی راسته و بقیه فقط میخان ما رو کنترل کنن، ی جواری».

تفاوت بین نسل‌ها، از موضوعات مهم و بحث برانگیز در اکثر جوامع است و ایران از این مقوله، مستثنی نیست. به‌ویژه که در سال‌های اخیر، به‌دلیل پیشرفت فناوری و دسترسی همگانی به اطلاعات، جامعه ما تحولات سریعی را تجربه کرده است. در نتیجه؛ این اختلافات پیچیده‌تر و همه‌گیر شده است.

تفاوت‌های اجتناب‌ناپذیر بین نسل‌ها، در صورتی که جدی گرفته نشوند، به تدریج منشاء به روز ناسازگاری، عدم درک متقابل افراد و در نهایت شکاف بین نسل‌ها می‌شود. بنابراین زمانی می‌توان راه حلی کارآمد برای بسیاری از مشکلات جامعه را ارائه داد، که ابتدا نسبت به ارزش‌ها، باورها، طرز فکر و هنجارهای هر نسل، شناخت کافی وجود داشته باشد. باید در نظر گرفت که نمی‌توان بیان کرد، یک نسل خاص در سبک زندگی، کاملاً صحیح عمل کرده است. اقتضای زمان و موقعیت اجتماعی هر نسل؛ عامل متفاوت بودن آن از دیگری است. از این‌رو این تحول در سال‌ها و قرن‌های آتی نیز دنبال خواهد شد. بنابراین بایستی توجه کرد که همان‌طور که نوع معاشرت، ازدواج، انتخاب شغل، امور شخصی و غیره دچار تحول و تغییر شده است؛ نوع پوشش نیز قطعاً دچار تحول خواهد شد. آن‌چه در این میان اهمیت دارد تداوم حفظ ارزش و گرده زدن آن با اقتضای کنونی است. در غیر این صورت شاید تغییر نرم تدریجی ارزش‌ها خواهیم شد. بنابراین درک شدن به عنوان حلقه مفکوده عدم ارتباط و تعامل دو نسل؛ می‌تواند بسیاری از سوء تفاهم و چالش‌های ناشی از آن را مرتفع سازد. این سخن به معنای استحاله شدن ارزش‌ها به‌طور عام و حجاب به‌طور خاص نیست، منتها نوع برخورد با مسائل این‌چنینی خواه از سوی خانواده باشد، خواه از سوی جامعه و دولت صورت

بپذیرد، انعطاف‌پذیری را به همراه درک متقابل باید به همراه داشته باشد. قطعاً هر نوع مواجهه دیگری به‌ویژه همراه با اکراه و نفی کردن با چنین نسلی؛ محکوم به شکست خواهد بود.

۲- عدم تبیین و روشن‌گری مطلوب

به‌زعم مشارکت‌کنندگان عدم تبیین و روشن‌گری مطلوب یکی از کلیدی‌ترین عناصر، ممانعت از تسهیل امر حجاب است. بدفهمی رایج در رابطه با پدیده حجاب، به‌ویژه تصور حجاب به‌عنوان حصار و مانع، به‌مثابه عدم عدالت و آزادی میان حقوق زن و مرد و حقوق شخصی از مهم‌ترین چالش‌ها و دغدغه‌های ذهن نسل جوان مشارکت‌کنندگان پژوهش است. مشارکت‌کننده (۶) بیان دارد: «خوب آره؛ اگر واقعاً آدم بفهمه فلسفه حجاب رو، قشنگ روشن بشه، درک کنه، مقاومت نمیکنه در برابرش... با زور نمیشه که سرکسی حجاب کرد. همون جور که نمیشه براشت». هم‌چنین مشارکت‌کننده (۱۵) بیان دارد: «همش اجبار، همش فشار، بعد چرا به سؤالات ما پاسخ نمیدن؟ وقتی تو کلاس بحث میشه، داغ میشه حرف، دقیقاً وقتی یک علامت سؤال بزرگ میچرخه تو سرمون، میگن جاش اینجا نیست. حاشیه نریم، درس مهم تره...». بنابراین می‌توان با ایجاد فضای روشن‌گری و به دور از اعمال شتابزده و هیجانی، تصمیماتی دقیق و موجه در این خصوص اتخاذ کرد. این ارتباط کاملاً مستلزم درک کنش‌گران است که در بُعد قبلی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

باید توجه کرد که در برهه‌ای که قدرت رسانه و عصر پساحقیقت منجر به محو حقیقت گشته است. تبیین و روشن‌نگری می‌تواند در زدودن فضای غبارآلود کنونی شایسته باشد. به‌همین جهت نیز مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر بر اهمیت جهاد تبیین نیز تأکید داشته‌اند. تبیین به‌معنای روشن‌گری و بیان حقیقت و واقعیت است. در حقیقت آن‌چه در تبیین مدنظر است، زدودن غبار بدفهمی، تحریف و کج فهمی از مفاهیم و همچنین فهمیدن تحلیل‌های نادرست، غلط و مغرضانه از رویدادها و پیشگیری از تحریف و دریافت نادرست است. بنابراین، تبیین در جهت روشن‌گری است، بدون جهت‌گیری خاصی که بخواهیم مطلبی را توجیه و یا امر نادرستی را درست جلوه دهیم. مدارس به‌عنوان محفله‌ای شکل‌گیری ارتباطات هم‌سالان و به‌روز پرسش‌ها و تحلیل و نقدهای مرتبط با جامعه، بایستی مجهز به جهاد تبیین شوند.

۳- مغفول بودن الگوهای عملی و شعارزدگی

دغدغه زنان فرزانه امروز، توسعه‌یافته‌است. زنان به‌عنوان اساسی‌ترین عناصر بنیادین جامعه، نقشی تعیین‌کننده در انگیزش‌ها، خیزش‌ها و شکل‌گیری شخصیت و رفتار جامعه خود دارند. کودکان در زمینه‌های تربیتی فراهم آمده توسط زن رشد می‌کنند، می‌آموزند و نقش‌های اجتماعی و فردی خود را بر می‌گزینند. به‌روز این نقش‌ها و استگی بسیار نزدیکی با نقش مادری، همسری و تربیتی زن دارد. این نقش‌ها همواره با الگوبرداری و تقليید‌پذیری همراه می‌شود. از این‌رو الگوبرداری و همانندسازی یکی از مهم‌ترین نیازهای رشدی، تربیتی انسان در طول دوره‌های رشد به خصوص دوران نوجوانی و جوانی است.

نقش الگوهای رشد و انسجام شخصیت انسان انکارناپذیر و یکی از ابزار مهم تربیتی است. انسان الگوطلب و عناصر پیرامون او هم‌چون والدین، مربیان، شخصیت‌ها (هنری، ورزشی، علمی، فرهنگی، سیاسی و غیره) می‌توانند الگوی افراد در مراحل مختلف زندگی قرار بگیرند. این الگوها، نقش تربیتی

مهمی دارند، چرا که اگر ضعیف و دروغین بوده، یا دچار انحراف باشند نقش تخربی غیر قابل جبرانی را در ساختار روانی و شکل‌گیری شخصیت انسان خواهند داشت. بسیاری از دانش‌آموzan اذعان داشتند که فارغ از باورهای درونی؛ صرفاً به دلیل ارتباط مؤثر و الگو قرار دادن فردی، احساس متفاوتی نسبت به حجاب کسب کرده‌اند. مشارکت‌کننده (۳) اذعان دارد: «اگر گاهی حجاب رو رعایت می‌کنم؛ فقط به خاطر مادریزگم هست؛ از مامانم به من نزدیک‌تره؛ احساس می‌کنم یک زن کامل و لذت می‌برم، وقتی پیششم». و در نقطه مقابل چه بسا با متفاوت بودن گفتار و کردار، افراد زیادی که دغدغه حجاب را داشته‌اند، کاملاً از حجاب دور شدند. مشارکت‌کننده (۲) بیان دارد: «معاون پرورشی ما، خانم (ک)؛ با چادر میاد خب؛ کلی تو راهرو درباره حجاب چیزی چسبونده و اینه؛ بعد ایدی اینستاشو رو پیدا کردم؛ هم سرخخت بود، هم گربه داشت؛ ناز بود خیالی». هم‌چنین مشارکت‌کننده (۷) بیان دارد: «بازیگری که دوشه دارم؛ کشف حجاب کرد. دوستم برداشت شالشو؛ خاله کوچیکم، که خیلی دوشه دارم و برام عزیزه. پروفش رو سرخخت گذاشته و تو ماشین هم برمی‌داره».

یکی از مهم‌ترین آفات تعظیم شعائر، فراموشی روح و محتوا و اصل پنداشتن علامتها و نشانه‌ها است. شعار بایستی به‌دلیل طریقیت باشد، نه صرفاً خودش موضوعیت پیدا کند. برخی از مشارکت‌کنندگان نیز بیان داشتند که خسته از شعاراتی بدون عمل از سوی خانواده، مدرسه و جامعه‌اند. تزویر و ریا در رفتارهای برخی افراد که سخنانشان همانند کردارشان نیست؛ موجب بدفهمی و نالمیدی را در مقوله حجاب برای نسل جوان و دانش‌آموzan ایجاد کرده است. مشارکت‌کننده (۵) بیان دارد: «واقعاً خسته شدم از این‌که همه فقط شعار میدن برای حجاب داشتن. اگر بی‌حجابی واقعاً بده؛ برای همس. نه من دختر دبیرستانی. بازیگر اونجور توسریال حرف از دین و نمیدونم حجاب می‌زد؛ فرداش رفت خارج. اون یکی مجریه همین‌جور، فرزند فلان مسئول کشور که هیچی دیگه، آدم خنگ نیس که، میفهمه. وقتی تو حجاب اینجوره، بقیش که دیگه هیچی. حداقل من خودمم؛ خود واقعیم. نه مثل اونا».

بنابراین در مفهوم حجاب به عنوان یک واکنش رفتاری، اعتقادی و ارزشی؛ بحث وجود الگوهای عملی و پرهیز از شعارزدگی بسیار حائز اهمیت است. لذا ارائه الگوهای کامل و پویا و دوری از فضای دوگانگی از حیث تربیتی و انسانی اهمیتی به سزا در رشد صحیح روانی، رفتاری و شخصیتی انسان دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف واکاوی و فهم تجارب زیسته دانش‌آموzan مقطع متوسطه دختر از پدیده کشف حجاب در مسیر مدرسه انجام شد. برای این منظور تا رسیدن به اشباع نظری، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با پانزده تن از دانش‌آموzan انجام شد. پس از تجزیه و تحلیل و کدگذاری، مضامین ده‌گانه؛ اعتراض سیاسی، واکنش هیجانی و مقطعي، حجاب گرینشی، تسلیم‌گری صرف در برابر رسانه و فضای مجازی، تقلیل‌پذیری حجاب، عدم کارکرد و فاقد بار معنایی حجاب، سلب آزادی ظاهری، جو خانوادگی و همنوایی اجتماعی، ضعف اعتقادی، خودنمایی و بهروز بودن احصاء شد.

هیچ مسئله اجتماعی را نمی‌توان به صورت تک علتی مورد بحث و ارزیابی قرار داد، ذات پدیده‌های اجتماعی چند بُعدی و چند علتی بودن آن است، که پدیده گرایش یا گریز از حجاب هم از این قاعده

مستثنی نیست. با بررسی فهم دانشآموزان از حدود حجاب می‌توان قضایت‌های پوشیده آنان را رصد کرد و با شناخت افکارشان، علت رفتارهای احتمالی آنان را درک کرد. همچنان که روشن شد، برداشت‌هایی متفاوت از حدود حجاب در میان دانشآموزان وجود دارد که آن را دارای ابعاد مختلف می‌دانند. در فهم دانشآموزان حدود حجاب فقط در پوشش خلاصه نمی‌شود؛ عفاف و حجاب در نگاه، گفتار و رفتار نیز مطرح است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که تجربه‌های گذشته سبب تعیین شاخص‌هایی از حدود حجاب در فهم افراد می‌شود، یعنی نحوه برخورد دیگران و پاداش و تنبیه‌هایی که افراد تجربه کرده‌اند در نوع پوشش آنان تأثیر می‌گذارد. بسیاری از مشارکت‌کنندگان اطلاق واژه حجاب‌گریزی در خصوص خود را، صحیح نمی‌دانستند؛ بلکه خود را موظف به حجاب شخصی یا به‌نحوی حجاب امروزی کرده بودند. حجابی که بارمعنایی و ظاهری آن، کاملاً دگرگون شده و تغییر کرده است.

تغییر بار معنایی و انعطاف‌پذیری سیال حجاب در نقطه مقابل معنای دینی آن قرار می‌گیرد. بدین صورت که دنیای ذهنی و درونی فرد، مورد دست‌کاری و تعدیل قرار گرفته و از آن پس معنای جدید و ماهیتی متفاوت به خود می‌گیرد. معنایی که به نوجوانان این اجازه را می‌دهد تا فارغ از اصول مذهبی، خانوادگی، فرهنگی و ملی خود چارچوب جدید و بدیلی برای حجاب تعریف کرده و در مطابقت با آن عمل کنند. این جهت‌گیری و خروج مفهومی حجاب از ماهیت دینی آن، اخیراً شدید شده و در نگاه دانشجویان، اساتید و شخصیت‌های سیاسی نیز هویتا شده است. پایداری جامعه و سعادت آن در گرو تثبیت ارزش‌ها و بروز اهداف و آرمان‌ها است که با برنامه‌ریزی بلند مدت امکان‌پذیر است. حیات اجتماعی، ظرف مکانی تحقق سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی است. سیاست‌ها همان‌گونه که محصول ارزش‌های جامعه هستند؛ در بستر اجتماعی اجرا و توسعه می‌یابند. توسعه الگوهای تقليیدی، فرد را علی‌رغم باور و ارزش‌های درونی، عملاً به تجدیدنظر در نظام ارزشی و هنجارهای خویش وادر می‌سازد (سعیدی رضوانی و غلامی، ۱۴۰۱).

بی‌اهمیت شدن حجاب و قلع مفهومی و معنایی آن در ذهن، به عنوان عامل درونی و ابراز اعتراض سیاسی، به عنوان عامل بیرونی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کشف شده در پژوهش حاضر بوده است. رسانه‌های غربی اگرچه در گذشته به دنبال خروج حجاب از بار معنایی آن به سوی ابزارگرایی، محدودیت و حتی مدلگرایی بوده است؛ امروزه تلقی گرده‌زن اعتراض سیاسی و اقتصادی با ارزش‌های معنوی همچون حجاب، نیازمند حضور فعالانه و پرنگ دستگاه‌های اجرایی و فرهنگی است. در صورت عدم توجه به این موضوع، نظام اجتماعی شاهد پیامد تلخ، ضایع شدن منابع مادی و معنوی و مهم‌تر از همه از دست رفتن فرصت‌های موجود خواهد بود.

با ایستی نقش تبیین و شفاف کردن در خصوص بدفهمی‌های رایج پدیده حجاب را مد نظر قرار داد. تبیین در موازات نقد منصفانه و مطالبه‌گری قرار می‌گیرد و مقدمه‌ای خواهد بود، برای اصلاح، تحول و مطالبه دقیق. از سوی دیگر، تبیین یکی از راهکارهای جذب حداکثری در برابر طرد و راندن کسانی است که احیاناً برداشت صحیحی از حقایق و جامعه ندارند و بر اثر تبلیغات و القایات دیگران، چهار تحلیل غلط از واقعیت‌ها می‌شوند. تغییر نسل می‌تواند موجب تغییراتی در میزان نگرش افراد به مقوله حجاب شود. شتاب اجتماعی را نه فقط در موسیقی بلکه در کنش و واکنش امروزی نوجوانان هم می‌توان به آسانی

مشاهده کرد. دریافت فهم دانشآموزان در خصوص حجاب، بیان‌گر تغییر نگرش نسل جدید است. توجه به فهم دانشآموزان و دریافت نگرش و گرایش آنان نسبت به مقوله حجاب، کمک شایانی در دستیابی به برنامه‌ریزی جامع در مورد این پدیده خواهد کرد.

با توجه به اهمیت دینی، هویتی و سیاسی که حجاب در جامعه ما دارد، درونی کردن باور، ارزش و هنگارهای حجاب بهترین راهکار به نظر می‌رسد. لازم است با هدف تقویت مبانی اعتقادی، ساختارهای فراشخصی چون هویت مذهبی از همان دوران کودکی تقویت شود. وقتی که افراد از سیاست‌های انتخاب شده، برداشت خوشایندی داشته باشند، در موضع دفاع از هویت و فرهنگ خودشان بر می‌آیند. چنان‌چه تعلق ذهنی فرد به خرد فرهنگی با رضایتمندی همراه باشد و فرد از این رهگذر به پاداش‌های روانی خواشایند و ارضاعکندهای دست یابد، رفتارهای از اقتضاها این فرهنگ غالب حمایت خواهد کرد.

پیشنهادها

۱- برگزاری سلسله جلسات تبیین و فهم در خصوص رویدادها و چالش‌های روز جامعه در مدارس متوسطه. در این جلسات با ایجاد فضایی تعاملی و آکنده از فشار و تعصبات، می‌توان به روشنگری و تبیین مباحث پرداخت. این رویه می‌تواند، فهم و تبیق حجاب را گسترش دهد و با هدایت صمیمانه موضوعات، تمایل برای پذیرش کاستی‌ها و تلاش برای تعالی‌بخشی را جایگزین مقاومت در برابر آن کند. استمرار این نشست‌ها موجب می‌شود که مدرسه از فضای فشار و اجبار و رویکرد مقابل در برابر دانشآموزان، به سوی درک متقابل، شنیده شدن صدای ذی‌نفعان و حرکت در سمت درک و فهم نسل جوان و زنده شدن کارکرد اجتماعی خویش؛ تغییر کند. همچنان که فریره^۱ (۱۹۹۶) مدرسه‌ای را که دربهای خود را بر واقعیت‌های اجتماعی بسته است، را ویرانه‌ای می‌خواند. این امر نیازمند سیاست‌گذاری کلان در حوزه معاونت پرورشی وزرات آموزش و پرورش و نیازسنجی در فرایند و اجرا خواهد بود.

۲- معلمی در کنار تخصص و دانش، فعالیتی هنری و مبتنی بر عشق است؛ به عبارتی هنر معلمی توأم با محبت‌ورزی ریشه در ذات و قریحه و شخصت افراد دارد. این امر بایستی به عنوان یک فرایند در جامعه معلمان و دبیران نهادینه شود و باورهای معلمان، به‌ویژه در مقطع متوسطه صرفاً بر فرایند تدریس موضوعی و محتوای درسی خلاصه نشود؛ بلکه جامعیت معلم، از کلام تا رفتار، که مورد توجه همگان، به‌ویژه ذی‌نفعان است؛ ملاحظه شود. بنابراین نیاز است که با اصلاح فرایندهای ارزش‌یابی عملکرد معلمان؛ تمامی خصوصیات و ویژگی‌های آنان به‌ویژه در ظاهر مورد توجه قرار گیرد. تا با ترویج الگوپذیری، مبتنی بر روابط مریبی و متربی، شاهد اصلاح روند ارزش‌ها و باورها در دانشآموزان باشیم.

۳- بازنگری و اصلاح فرایند امر به معروف و نهادهای مرتبط با گسترش عفاف و حجاب در جامعه. بدون شک اقدامات هیجانی و مقطوعی در خصوص نگرانی چالش‌ها و مسائل موجود در جامعه و همچنین اقدامات سلیقه‌ای، می‌تواند بسیاری از اذهان عمومی به‌ویژه نسل جوان را خدشه‌دار، و محفلی را برای سوءاستفاده برخی افراد باز کند. از این‌رو بازنگری و اصلاح در خصوص فرایندهای امر به معروف و

نهادهای نظارتی بایستی کاملاً دگرگون شده و متناسب با اقتضایات جامعه و نسل جوان و علائق آن؛ انجام پذیرد. این امر نیازمند نگاه ویژه در شورای عالی انقلاب فرهنگی و همچنین مجلس شورای اسلامی به مقوله جوان و حجاب است.

۴- بهره‌گیری از ظرفیت‌های اثربخش در خصوص اشاعه فرهنگ حجاب و عفاف. وجود رسانه و فضای مجازی در خصوص اثربخشی در باورها و ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های نسل جوان؛ غیرقابل چشمپوشی است. مورد توجه است، ضمن عدم محدودیت در این خصوص و چشمپوشی از آن، با تولید محتوای فرهنگی و اقدامات رسانه‌ای اثربخش، به فعال کردن این ظرفیت و پتانسیل خاموش؛ قوت و نیرو بخشد.

تشکر و قدردانی



در پایان از کلیه صاحب‌نظران و خبرگان و دانش آموزان که پژوهش‌گررا در انجام این پژوهش یاری کردند،

تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

منابع

احمدپور، علی (۱۴۰۱). پیش‌بینی‌پذیری پایبندی به حجاب اسلامی براساس اعتقادات مذهبی و استفاده از فضای مجازی (مطالعه موردي: دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان شهر ماکو). *اسلام و علوم اجتماعی*. ۱۴(۲۷)، ۱۸۳-۱۹۷.
<https://doi.org/10.30471/soci.2022.7707.1674>

امینی زرین، علی‌رضا، و ربانی، زهرا (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی آموزش و نهادینه‌سازی سازی مفهوم حجاب و عفاف در دوره ابتدایی. *فصلنامه مسائل کاربردی مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*. ۸(۲): آماده به انتشار.
<http://qaiie.ir/article-1-977-fa.html>

پورحسن درزی، فاطمه (۱۳۹۹). جریان‌شناسی فرهنگی زنان فارغ التحصیل از مدارس دخترانه غربی در ایران دوران قاجار و پهلوی اول مؤثر در کشف حجاب. *پژوهش در آموزش تاریخ*. ۱(۲)، ۸۳-۱۱۱.
https://historyedu.cfu.ac.ir/article_1262.html

حکمت، کامران و فولاد چنگ، محبوبه (۱۳۹۹). تأثیر آموزش طرح امید (مدیریت مهارت و دانش رفتار) بر خودکنترلی زنان دستگیرشده با مسئله حجاب: مطالعه موردي دستگیرشده‌گان با حرائم بدحجابی در دادگستری فارس. *زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)*. ۱۱(۴)، ۱۳۹-۱۶۰.

https://jzvj.marydasht.iau.ir/article_4494.html

دبيرخانه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. دبيرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (شورای عالی انقلاب فرهنگی).

درزی، مهرانه؛ جعفری هرنی، محمد و موسوی، محمدصادق (۱۳۹۸). تأثیر عرف بر احکام حجاب و پوشش زنان مسلمان. *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)*. ۱۵(۵۵)، ۷۵-۹۶.

<https://doi.org/10.22034/ijrj.2019.665202>

دشتی، سعید؛ معینی، بابک؛ شهرآبادی، رضا؛ بیرانوندپور، نوشین؛ وجданی آرام، فاطمه؛ فردمال، جواد و مطهری‌پور، مرتضی (۱۳۹۵). بررسی رابطه سلامت معنوی با نگرش دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی همدان در مورد حجاب. *دین و سلامت*. ۲۱(۱)، ۲۱-۲۸.

https://jrh.mazums.ac.ir/browse.php?a_id=301&sid=1&slc_lang=fa

زارعی توپخانه، محمد؛ مرادیانی گیزه رود، سیده خدیجه و هراتیان، عباسعلی (۱۳۹۳). رابطه بین متغیرهای پایبندی به حجاب، تصور از خود و سلامت روان. *روان‌شناسی و دین*. ۷(۲۷)، ۸۱-۹۲.

<https://ravanshenasi.nashriyat.ir/node/277>

Zahediyan, Mohammad-Hossein and Sadr-e Arhami, Mohammad (۱۳۹۹). بررسی جایگاه حجاب در حقوق بشر از دیدگاه نظریه جهان‌شمولي و نسبی‌گرایي. *فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*. ۱۵(۵۲)، ۸۹-۱۰۵.

https://cwfs.iuh.ac.ir/article_205689.html

زهروی، رضا (۱۳۹۹). مرز اخلاق و حقوق؛ نقدی بر نظریه «نفی ورود حقوق به گستره حجاب» (مطالعه تطبیقی اسلام، ایران و اروپا). *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*. ۲۰(۱۱)، ۲۷۷-۳۰۱.

سالاری‌فر، محمدرضا؛ بیاتی، مهدی و سالاری‌پور، حسن (۱۳۹۶). مدل نظری آسیب‌شناسی تربیت عفاف و حجاب در ایران. *تربیت اسلامی*. ۲۵(۲)، ۹۵-۱۱۷.

<https://doi.org/10.30465/crtls.2020.33680.2047>

سعیدی رضوانی، محمود و غلامی، فاطمه (۱۴۰۱). ارزیابی برنامه تربیتی پدیده اربعین بر پایه تجارب زیسته زائران. *دین و ارتباطات (دانشگاه امام صادق/نامه صادق)*. ۲۹(۶۲)، ۶۲-۱۹۰، ۱۹۰-۱۵۳.

<https://doi.org/10.30471/edu.2017.1347>

سعیدی رضوانی، محمود و فاطمه، غلامی (۱۴۰۰). آینده زیست اخلاقی ایرانیان در پرتو عرفی شدن و سکوت: تحلیل واکنش دانشجویان در مواجهه با امر حجاب در گروه مجازی. *تربیتی زنان و خانواده*. (۱۶)، ۵۶-۱۲۷. <https://profdoc.um.ac.ir/paper-abstract-1091396.html>. ۹۳.

سعیدی رضوانی، محمود و غلامی، فاطمه، غلامی (۱۴۰۱). کاربست داستان برای آموزش حجاب به دختران دوره ابتدایی: مطالعه ارزیابانه کیفی. *فصلنامه مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*. ۷(۴)، ۵۷-۳۳. <https://doi.org/10.30497/rc.2022.76522>.

سلمان‌پور، مریم (۱۴۰۰). مطالعه تأثیر سبک زندگی و سواد رسانه‌ای بر گرایش دانش آموزان به ارزش‌های دینی و فرهنگی عفاف و حجاب. *پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و علوم انسانی*. ۲(۴)، ۳۵-۲۹. <https://j.armh.ir/wp-content/uploads/2022/05/2.pdf>

شاهسنایی، احمد رضا و طباطبایی، کاظم (۱۳۹۶). بررسی نظریه حجاب حداقلی درباره وضعیت پوشش در عصر جاهلیت و صدر اسلام. *پژوهش‌های تاریخی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان)*. ۳۴(۵۳)، ۸۹-۱۰۴. <https://doi.org/10.22108/jhr.2017.21777>

ظهیری‌نیا، مصطفی؛ رستگار، یاسر و پاشا امیری، مسعود (۱۳۹۷). دلالت‌های معنایی حجاب در میان زنان و دختران جوان بندرعباس. *راهبرد فرهنگ*. ۱۱(۴۳)، ۱۲۳-۱۵۳. <https://doi.org/10.22034/jsfc.2018.88856>.

عسگری یزدی، علی و موسوی، علی محمد (۱۳۹۹). بررسی تحلیلی حجاب در جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی*. ۳(۷)، ۱۷-۳۶. <https://doi.org/20.1001.1.26767368.2021.3.7.2.2>

کاییدی، اعظم؛ نصر، احمد رضا؛ شریفیان، فریدون و موسوی‌پور، سعید (۱۴۰۱). واکاوی چالش‌های اساسی آموزش روش تحقیق در رشته‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی. *برنامه درسی آموزش عالی*. ۴(۲)، ۴۶-۷۸. https://www.icsajournal.ir/article_165492.html

کریمی‌ثانی، پرویز و کاظم‌پور دیزجی، الهه (۱۴۰۰). رابطه بین میزان استفاده از رسانه، سلامت اجتماعی و نگرش به حجاب در بین دانشجویان متأهل و مجرد (مطالعه موردی: مؤسسه آموزش عالی فاطمیه (س) شیراز). *پژوهش‌های میان رشته‌ای زنان*. ۵(۴)، ۴۱-۶۷. <https://sanad.iau.ir/fa/Article/610594>

کلانتری، اسماعیل و تقدسی فاطمه (۱۴۰۰). اندازه‌گیری و مقایسه نگرش به حجاب و هوش معنوی در بین دانشجویان متأهل و مجرد (مطالعه موردی: مؤسسه آموزش عالی فاطمیه (س) شیراز). *پژوهش‌های میان رشته‌ای زنان*. ۵(۴)، ۴۱-۶۷. <https://rimag.ricest.ac.ir/fa/Article/31864>

محمدی یگانه، ماریه (۱۳۹۹). عفاف و حجاب از دیدگاه آیات قرآن و احادیث. *علوم اسلامی انسانی*. ۶(۲۳)، ۴۳-۳۴. <http://johi.ir/afile/php3OOUWP.pdf>

مخترانیا، ایرج؛ زاده‌محمدی، علی؛ پناغی، لیلا و چراغی، مونا (۱۴۰۰). تعارضات عمدۀ نوجوانان ایرانی با والدین در پاندمی کووید ۱۹. *خانواده‌پژوهی*. ۱۷(۶۷)، ۸۵-۴۰. <https://doi.org/10.52547/JFR.17.3.385>

مهردوی، محمد و سیدشرافت، الهه (۱۳۹۷). تحلیل نوع نگرش‌ها به فرهنگ حجاب و عفاف در ورزش بانوان (مطالعه موردی: بانوان ورزشکار استان آذربایجان شرقی). *زن در فرهنگ و هنر (پژوهش زنان)*. ۱۰(۲)، ۱۹۷-۲۱۴. <https://doi.org/10.22059/jwica.2018.255483.1055>

میرجلیلی، کاظم و گل محمد، محمد تقی (۱۳۹۸). بررسی و نقد تبیین و تفسیر آیات حجاب از دیدگاه صحابه رسول اکرم (ص). *پژوهش‌های تفسیر تطبیقی*. ۴(۹)، ۱۹۵-۲۱۸. <https://doi.org/10.22091/ptt.2019.4090.1515>

نعمتی‌فر، نصرالله و صفورایی پاریزی، محمدمهری (۱۳۹۸). بررسی تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر حجاب و پوشش کاربران با تأکید بر ابعاد دین‌داری (مورد مطالعه: کاربران زن شبکه اجتماعی اینستاگرام). *دین و ارتباطات*. ۵۵(۲۶)، ۳۳۵-۳۶۲.

هاشمیان، سیدمحمدحسین (۱۴۰۰). بازنمایی تغییرات اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *اسلام و مطالعات اجتماعی*. ۳۹(۳)، ۱۴۰-۱۷۲.

<https://doi.org/10.22081/jiss.2022.60827.1802>

References

- Ahmadpour, A. (2022). Predictability of the Relationship between Religious Beliefs and the Use of Cyberspace with Adherence to the Islamic Hijab (Case Study: Female Students in Mako High School). *Journal of Islam and Social Sciences*, 14(27), 183-197. <https://doi.org/10.30471/soci.2022.7707.1674>[In Persian].
- Amini Zarin, A., & Rabbani, Z. (2023). Pathology of teaching methods of religious concepts with emphasis on the concept of hijab and chastity in schools. *qaiie*. 8(2).<http://qaiie.ir/article-1-977-fa.html>[In Persian].
- Arulan, D. T. H., & Wirdania, I. (2020). You are what you wear: examining the multidimensionality of religiosity and its influence on attitudes and intention to buy Muslim fashion clothing. *Journal of Fashion Marketing and Management: An International Journal*. 24(1), 121–136. <https://doi.org/10.1108/JFMM-04-2019-0069>
- Asgariyazdi, A., & Musavi, S. A. M. (2021). Analytical Study of Hijab in The Islamic Republic of Iran. *Journal of Contemporary Research on Islamic Revolution*, 3(7), 17-36. <https://doi.org/10.1001.1.26767368.2021.3.7.2.2>[In Persian].
- Blaagaard, B. (2019). Picturing the Political: Embodied Visuality of Protest Imagery. In A. Veneti, D. Jackson, & D. Lilleker (Eds.), *Visual Political Communication* (pp. 247-264). Palgrave Macmillan.http://dx.doi.org/10.1007/978-3-030-18729-3_13
- Croucher, S. M. (2008). French-Muslims and the hijab: An analysis of identity and the Islamic veil in France. *Journal of Intercultural Communication Research*. 37(3), 199-213.<https://doi.org/10.1080/17475750903135408>
- Darzi, M., Jafari Harandi, M., & Mousavi, M. S. (2019). The Effect of Conveniences on the Provisions of Hijab and Muslim Women's Veil. *Islamic Law & Jurisprudence Researches*, 15(55), 75-96. <https://doi.org/10.22034/ijrj.2019.665202>[In Persian].
- Dashti, S., Moeini, B., Shahrabadi, R., Biravandpour, N., Vejdani Aram, F., Faradmal, J., & Motaharipour, M. (2016). A Study on the Relationship between Spiritual Health and Attitudes towards Women's Dress Code among Female Students of Hamadan University of Medical Sciences. *Journal of Religion and Health*. 4 (1):21-28. <http://jrh.mazums.ac.ir/article-1-301-fa.html>[In Persian].
- Fani, M., Mohtashami, J., Karamkhani, M., & Abdoljabbari, M. (2020). Confrontation process of students with hijab. *Journal of religion and health*. 59(1), 204-222. <https://doi.org/10.1007/s10943-018-0712-1>
- Freire, P. (1996). Pedagogy of the oppressed(revised). *New York: Continuum*. 356, 357-358.

- Grine, F., & Saeed, M. (2017). Is Hijab a fashion statement? A study of Malaysian Muslim women. *Journal of Islamic Marketing*, 8(3), 430–443. <https://doi.org/10.1108/jima-04-2015-0029>
- Hashemian, S. M. H. (2021). An Examination of Social Changes in the Fundamental Reform Document of Education. *Journal of Islam and Social Studies*, 9(35), 138-172. <https://doi.org/10.22081/jiss.2022.60827.1802>[In Persian].
- Hekmat, K., & Fouladchang, M. (2021). The Impact of "Behavioral Skills and Knowledge Management" Training on Self-Control of Moral Crime Arrestees. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 11(44), 139-160. https://jzv.j.marvdasht.iau.ir/article_4494.html?lang=en[In Persian].
- Hopkins, N., & Greenwood, R. M. (2013). Hijab, visibility and the performance of identity. *European Journal of Social Psychology*. 43(5), 438-447. <https://doi.org/10.1002/ejsp.1955>
- Hwang, C., & Kim, T. H. (2021). Muslim women's purchasing behaviors toward modest activewear in the United States. *Clothing and Textiles Research Journal*. 39(3), 175-189. <https://doi.org/10.1177/0887302X20926>
- Kaeedi, A., nasr, A., Sharifian, F., & Moosavipour, S. (2023). Exploring main challenges of teaching research methodology in education and psychology. *Journal of higher education curriculum studies*, 14(27), 7-41. https://www.icsajournal.ir/article_165492.html?lang=en [In Persian].
- Kalantari,E., &Taghadosi,F. (2022).Measuring and Comparing Attitudes toward Hijab and Spiritual Intelligence among Married and Single Students (Case Study: Fatemeh Higher Education Institute, Shiraz). *Women's interdisciplinary research*.5(4), 67-41. <https://rimag.ricest.ac.ir/en/Article/31864>[In Persian].
- Karaman, N., & Christian, M. (2020). "My hijab is like my skin color": Muslim women students, racialization, and intersectionality. *Sociology of Race and Ethnicity*. 6(4), 517-532. <http://dx.doi.org/10.1177/2332649220903740>
- Karimithani, P., &Kazempour Dizji, E. (2020). The relationship between the amount of media use, social health and attitude towards hijab among Tabriz students. *social Sciences*. 15(3), 63-51. <https://sanad.iau.ir/fa/Article/610594>[In Persian].
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). Naturalistic inquiry. Newberry Park.
- Mahdavi, M., & Sayed Sherafat, E. (2018). Analysis of Attitudes towards Hijab and Chastity Culture in Women's Sports (Case Study: Athletic Ladies in East Azarbayan Province). *Journal of Woman in Culture and Arts*, 10(2), 197-214. <https://doi.org/10.22059/jwica.2018.255483.1055>[In Persian].
- Mahmoudi Yeganeh, M. (2019). Chastity and hijab from the point of view of Quranic verses and hadiths. *Islamic human sciences*. 6(23), 34-43. <http://johi.ir/afile/php3OOUWP.pdf>[In Persian].
- Mir Jalili, S. K., & Gol Mohammad, M. T. (2019). Critical Analysis and Exegesis of the Verses on Hijab from the Viewpoint of Companions of the Prophet. *Comparative Interpretation Research*, 5(1), 197-220.<https://doi.org/10.22091/ptt.2019.4090.1515> [In Persian].
- Mokhtarnai, I., Zadeh Mohammadi, A., panaghi, L., & Cheraghi, M. (2021). Major Conflicts of Adolescents With Parents During the COVID-19 Pandemic in Iran. *Journal of Family Research*, 17(3), 385-406. <https://doi.org/10.52547/JFR.17.3.385>[In Persian].

- Nematifar, N., & Saforaei Parisi, M. M. (2018). Investigating the effect of using social networks on hijab and veiling of users with an emphasis on religiosity dimensions (case study: female users of Instagram social network). *Religion and communication*, 26(55), 335-362. [In Persian].
- Nozimova, S. (2016). Hijab in a Changing Tajik Society. *Central Asian Affairs*. 3(2), 95-116. <https://doi.org/10.1163/22142290-00302001>
- Pourhasan Darzi, F. (2019). Cultural flow analysis of women who graduated from western girls' schools in Iran during the Qajar and Pahlavi eras that were effective in discovering hijab. *Research in History Education*, 1(2), 83-112. https://historyedu.cfu.ac.ir/article_1262.html?lang=fa[In Persian].
- Rastegar, Y., Zahirinia, M., & Pasha Amiri, M. (2018). Semantic implications of hijab among young women and girls in Bandar Abbas. *Culture strategy*, 11(43), 123-153.<https://doi.org/10.22034/jxfc.2018.88856>[In Persian].
- Robinson, R. S. (2016). Hijab in the American workplace: Visibility and discrimination. *Culture and religion*. 17(3), 332-351. <http://dx.doi.org/10.1080/14755610.2016.1211543>
- Saeedy rezvani, M., & Gholami, F. (2022). Evaluation of the educational program of Arbaeen phenomenon based on the lived experiences of pilgrims. *Religion & Communication*, 29(2), 190-153.<https://doi.org/10.30497/rc.2022.7652>[In Persian].
- Saidi Rizvani, M., & Fatemeh, Gh. (2020). The bio-ethical future of Iranians in the light of secularization and silence: (Analysis of students' reactions when faced with the issue of hijab in a virtual group). *Education of women and family*. 56(16), 93-127. <https://profdoc.um.ac.ir/paper-abstract-1091396.html>[In Persian].
- Salari-far, M. R., bayati, M., & salaripour, H. (2017). The Theoretical Model for Pathology of Teaching Modesty and Hijab in Iran. *Journal of Islamic Education*, 12(25), 95-117. <https://doi.org/10.30471/edu.2017.1347>[In Persian].
- Salmanpour, M. (2020). Studying the effect of lifestyle and media literacy on students' tendency towards religious values and the culture of chastity and hijab. *Applied researches in management and humanities*. 2(4), 29-35.<https://j.armh.ir/wp-content/uploads/2022/05/2.pdf>[In Persian].
- Secretariat of the Supreme Council of Education. (2013). Document of the fundamental transformation of education. Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution (Supreme Council of Cultural Revolution). [In Persian].
- Shahsanaiee, M., & Tabatabaie, M. K. (2017). Investigating the Theory of Minimal Hijab about Coverage in the Age of Ignorance and the Early Islam. *Historical Researches*, 9(2), 89-104. <https://doi.org/10.22108/jhr.2017.21777>[In Persian].
- Thimm, V. (2018). Embodying and consuming modernity on Muslim pilgrimage: gendered shopping and clothing practices by Malaysian women on “umrah and ziarah Dubai”. *Asian Anthropology*. 17(3), 185-203.<http://dx.doi.org/10.1080/1683478X.2018.1483477>
- Zahedian, M., & Sadri Arhami, M. (2020). Investigating the place of hijab in human rights from the perspective of the theory of universality and relativism. *The Women and Families Cultural-Educational*, 15(52),89-105. https://cwfslihu.ac.ir/article_205689.html?lang=en[In Persian].

Zahravi, R. (2021). Border of Ethics and Law: A Critique of the Theory of “Denying the Entry of Law into the Scope of the Veil” (Comparative Study of Islam, Iran, and Europe). *Pizuhish nāmah-i intiqādī-i mutūn va barnāmah hā-yi ʻulūm-i insāni (Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences)*, 20(11), 263-288. <https://doi.org/10.30465/crls.2020.33680.2047>[In Persian].

Zarei Topkhaneh, M., Moradiani Gizehroud, S. Kh., & Heratian, A. (2013). The relationship between variables of adherence to hijab, self-concept and mental health. *Psychology and religion*. 7(27), 81-92. <https://ravanshenasi.nashriyat.ir/node/277>[In Persian].